

تبیین نظری اصول محتوایی و مؤلفه‌های مبنایی تدوین الگوی بومی (اسلامی- ایرانی) مدیریت: با تأکید بر مدیریت روستایی علی اصغر سوادى^۱، مهدی پورطاهری^{۲*}، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۵

دریافت: ۹۶/۰۴/۲۶

چکیده

سکونت روستایی در ایران و مدیریت آن پیشنهادی به قدمت یک‌جانشینی در کره زمین دارد، اما با وجود این تجربه طولانی از مشکلات عدیده در تنظیم امور جاری خود رنج می‌برد. عدم وجود یک چهارچوب مبنایی برای هماهنگ کردن فعالیت‌های مربوط به مدیریت روستایی از مهم‌ترین دلایل این مشکلات است. وجود این ضعف موجب سردرگمی و آشفتگی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، عدم پذیرش مردم، عدم کارایی و اثربخشی مدیریت روستایی شده است. آنچه در طراحی این مبنای مورد نیاز است آن است که باید بر پایه نیازها و اندیشه جامعه هدف و دستاوردهای علمی استوار باشد. بر این اساس هدف ما در این مطالعه یافتن مفاهیم مشترک مدیریت (روستایی) در دو فرهنگ اسلامی و ایرانی و مقایسه آن با اصول علمی رایج مدیریت روستایی است. برای دستیابی به این اهداف برخی منابع مرتبط با مدیریت ایرانی، مدیریت اسلامی، مدیریت روستایی و اسناد بالادستی نظام به شیوه اسنادی و با روش تحلیل محتوای کمی مطالعه و سپس یافته‌ها با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه عدالت مهم‌ترین اصل در منابع اسلامی و ایرانی است که مغایرتی با اصول علمی نیز ندارد. بر این اساس باید ابعاد، شاخص‌ها و شروط مختلف عدالت مبنای تدوین هر الگوی بومی با موضوع مدیریت (روستایی) کشور قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت روستایی، مؤلفه‌های اسلامی- ایرانی، عدالت.

۱- مقدمه^۱

امروزه اهمیت و جایگاه روستاها در حفظ استقلال اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت اجتماعی، حفاظت از دارایی‌ها و سنت‌های فرهنگی کشور بر کسی پوشیده نیست؛ پایداری این مراکز حساس جمعیتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. یکی از شروط پایداری وجود مدیریتی پایدار است که در آن ارزش‌های مدیریت و شیوه‌های اجرای این ارزش‌ها مورد پذیرش جامعه و متناسب با آن صورت‌بندی شود (اصل گفتمان^۲). توجه به الگوی بومی مدیریت از روش‌هایی است که می‌تواند تأمین‌کننده شروط مورد نظر باشد. این شیوه مدیریت قادر است موجب تقویت انسجام اجتماعی، حفظ ارزش‌های فرهنگی و تسهیل در دستیابی به اهداف شود. همچنین طرح این موضوع علاوه بر ایجاد کارآمدی و اثربخشی در مدیریت به سبب آن که امکانات جدیدی را برای بروز «دیدگاه‌های چندگانه»، «چندمرکزی» و «چندکانونی» می‌گشاید می‌تواند مانع جدی در برابر القای الگوهای جهانی باشد. در نتیجه این فرایند فرصت‌هایی را برای ایجاد ابتکار و یا رفع برخی مشکلات ناشی از وجود الگوهای بیگانه فراهم آورد و در نهایت مایه عزت نفس جامعه گردد.

اهمیت موضوع بومی‌سازی علوم به ویژه پس از پیروزی نهضت‌های ضداستعماری در جهان آشکار شد. در جهان اسلام دیدگاه‌های شهید صدر در خصوص اقتصاد اسلامی دست‌مایه بسیاری از متفکران بوده است. طرح موضوع «ولایت فقیه» توسط امام خمینی^(۵) هم توانست توجهات برخی از شاگردان ایشان را نسبت به تفکر درباره مدیریت کلان جامعه جلب کند. در علم مدیریت آقای «اصغر زمردیان» با ارائه مقاله خود در سال ۱۳۵۹ با عنوان «مدیریت بومی: از تئوری تا عمل^۳» اولین کسی است که به شرح و بسط تئوری بومی مدیریت می‌پردازد. خنیفر (۱۳۸۴) هم سال‌ها بعد در مقاله خود تحت عنوان «ارائه الگوی بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی^(ع)» با استفاده از مدل مفهومی سه شاخگی در سه بعد ساختاری، زمینه‌ای (محیطی) و محتوایی (رفتاری)، مؤلفه‌هایی را براساس محتوای روایات، نامه‌ها و خطبه‌های آن حضرت، استخراج و در قالب مدل

۱ این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری با عنوان «ارائه الگوی بومی (اسلامی - ایرانی) مدیریت روستایی، مطالعه موردی: استان مازندران» است که در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

۲ از آن‌جا که شرایط امروزی مدیریت روستا، مدیریت از پایین به بالا و منتخب است باید در شیوه رفتاری خود سه اصل مهم زیر را مبنا قرار دهد و براساس آن عمل کند: اصل گفتمان یعنی توجه به میثاق‌های جمعی، اصل اجماع یعنی تعدیل و هم‌رأی کردن مردم و اصل رضایت‌مندی که برآیند دو اصل پیشین است (نقل به مضمون از افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۵۴).

۳ علاوه بر این مقاله ایشان مقاله دیگری را در سال ۵۸ با عنوان لزوم تنظیم تئوری بومی مدیریت به نگارش درآوردند. هر دو مقاله در مجله مدیریت امروز، شماره ۱ و ۲ به چاپ رسیده است.



فوق، وضعیت فعلی و مطلوب مدیریت کشور را مورد مقایسه قرار داده است، اما اندیشه بومی تا مدت‌ها تنها در اسلامی کردن علوم خلاصه می‌شد تا این‌که در دهه اخیر با ابتکار رهبر معظم انقلاب در قرار دادن قید «ایرانی» به «الگوی اسلامی پیشرفت»، این واژه به دیگر حوزه‌های علمی نظیر مدیریت تعمیم یافت. در همین راستا محمود حاجی‌شریف (۱۳۹۰) در کتاب «مدل مدیریت اسلامی- ایرانی (مدیریت بومی)»، ضمن تبیین دقیق الگوی اسلامی- ایرانی برای خواننده مدلی با ۵ لایه مختلف ارائه می‌دهد. پژوهش‌های مدیریت روستایی نیز پیش از این بیشتر حول محورهای بررسی تحولات مدیریت روستایی، چالش‌های مدیریت روستایی، مدیریت نوین روستایی، ارزیابی عملکرد مدیریت روستایی، مطالعات تطبیقی مدیریت روستایی، بنیان‌های نظری مدیریت روستایی صورت می‌پذیرفت. در این بین مهدی طالب (۱۳۷۴) در «طرحی برای مدیریت روستایی در ایران» پیشنهاداتی را در جهت ساماندهی مدیریت امور روستاییان ارائه می‌دهد که بخشی از آن به الگوی خدمات‌رسانی به مناطق و مدیریت آن‌ها بازمی‌گردد. از آن‌جا که او به مدیریت خاص هر روستا براساس کارکردهای خاص آن اعتقاد داشت از میان الگوهای مطرح در آن دوره زمانی الگوی چندمدیریتی بخش‌های مختلف را برای روستاهای ایران پیشنهاد نمود. افتخاری و بدری (۱۳۹۱) نیز در کتاب «بنیان‌های نظریه‌ای الگوی توسعه روستایی در روستاهای نمونه» موضوع الگوسازی توسعه روستایی در چارچوب توسعه پایدار روستایی را مورد مطالعه و تحلیل قرار دادند. الگوی ارائه شده خصوصاً بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جامعه روستایی از طریق رهیافت حکم‌روایی نهادی تأکید دارد. همچنین نویسندگان معتقدند مسأله الگوی روستای نمونه ایرانی با روش‌شناسی مشارکتی آن را به گفتمان الگوی بومی در خواهد آورد، همچنین در سال‌های اخیر باید اشاره کرد که تلاش‌هایی در ارتباط با بومی‌سازی برخی شاخص‌ها و نیز بهره‌گیری از دانش بومی در توسعه روستاها در مطالعات روستایی صورت گرفته است.

باید اذعان داشت که پژوهش‌های مختلفی در زمینه مدیریت روستایی مطرح شده است، درباره پایه‌ریزی یک مدل هنجاری مبتنی بر مقتضیات محیطی ایران^۱ و با پشتوانه ارزش‌های فرهنگی (دینی و ملی) فعالیت جدی صورت نگرفته است. لزوم توجه به مقوله فرهنگ تا حدی است که بسیاری از صاحبان‌نظر معتقدند ریشه مدیریت هر گروه و ملتی در «فرهنگ» آن نهفته

^۱ در بخش مدیریت روستایی در ایران به بخشی از این مقتضیات در قالب پیشینه مدیریت روستایی، چالش‌ها، فرصت‌ها، آثار و نتایج اشاره شده است.

است.^۱ در ایران این فرهنگ حاصل تلازم و همراهی دو فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی است. مطالعه و شناخت اصول و مؤلفه‌های بنیادی مدیریت در کشور نیازمند توجه به هر دو بعد فرهنگی یادشده است. با این پیش‌فرض و برای جستجوی دقیق‌تر مؤلفه‌های مورد نظر این پرسش مطرح شد که چه وجه اشتراکی بین مؤلفه‌های مدیریت اسلامی و مدیریت ایرانی وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش با روش تحلیل محتوای اقدام به بررسی و مقایسه برخی منابع موجود کردیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که «عدالت» از میان این مؤلفه‌ها وجه مشترک اصول مدیریت در دو فرهنگ اسلامی و ایرانی است. عدالت مهم‌ترین و ارزشمندترین اصل در مدیریت اسلامی- ایرانی است که باید در طراحی الگوهای بومی مدیریت روستایی مورد عنایت صاحبان‌نظر و پژوهشگران محترم قرار گیرد.

۲- مبانی نظری تبیین‌کننده الگوی مدیریت روستایی اسلامی- ایرانی

تبیین نظری مفاهیم مرتبط با الگوی مدیریت روستایی اسلامی- ایرانی تابعی از شناخت چند مفهوم کلیدی زیر است.

۲-۱- مدیریت

مدیریت در فرهنگ واژگان فارسی مصدر جعلی از ریشه عربی «دور» و به معنای علم و هنر متشکل کردن، هماهنگ کردن و مدیر بودن و مدیری آمده است. نجاری (۱۳۹۵) مدیر را به معنی گرداننده و مدیریت را هم به معنی گرداندن و کارگردانی می‌داند که شامل هر نوع و سطحی از کارگردانی است و مفاهیم دیگری مانند رهبری، هدایت و غیره را می‌توان از موارد شمول آن دانست. تعریف مدیریت و مفاهیم مرتبط با آن مانند اداره^۲، سیاست^۳ و سیاست‌گذاری^۴، رهبری^۵

^۱ برخی مدیران و صاحبان‌نظر مدیریت به دنبال تحقق رویاهای همگرایی و یکسان کردن روش‌های مدیریت برای ایجاد یک دهکده بزرگ جهانی‌اند و مدیریت را علمی می‌دانند که کاربرد آن به مرزها محدود نمی‌شود. پرچمدار این طرز تفکر «سایمون» است که می‌گوید: «علوم اداری همانند هر علم دیگری تنها به صورت محض با جنبه‌های واقعی سر و کار دارد. در این مجموعه از علوم جایی برای ابراز اصول اخلاقی [به عنوان اصلی از اصول فرهنگی] وجود ندارد (گائینی و حسین‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۸ به نقل از شفریتز، ۱۳۷۹).

^۲ Administration

^۳ Politics

^۴ Policy (Making)

^۵ Leadership



و حکمرانی^۱ عموماً با ابهام و اغتشاش درآمیخته است. علاوه بر نزدیکی با مفاهیم یادشده تغییر و بسط مفهومی واژه مدیریت از دلایل دیگر این پیچیدگی است^۲. رضایان (۱۳۷۹) مدیریت را به کارگیری مؤثر و کارآمد نیروهای مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده می‌داند که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات دستیابی به اهداف تعیین شده را امکان‌پذیر می‌سازد. گیولیک^۳ در تعریف مدیریت به وظایف مدیران در قالب اصول «پس‌دکورب»^۴ اشاره می‌کند. برخی دیگر از اصول نیز عبارت از تخصصی کردن وظایف، حیطه کنترل، وحدت فرماندهی و سازماندهی بر مبنای هدف، فرایند و مکان بودند (نقل به مضمون از طهماسبی، ۱۳۹۳: ۶۵).

اصول مختلفی نیز از سوی نظریه‌پردازان در کنار تعاریف متعدد و متنوع از مدیریت بیان شده است، اما نخستین بار فایول^۵ چهارده اصل را با عنوان اصول عام و کلی مدیریت نام می‌برد که عبارت از تقسیم کار، اختیار و مسئولیت، انضباط، وحدت فرماندهی، وحدت مدیریت، تبعیت منافع فرد از منافع سازمان، جبران خدمات، تمرکز، سلسله مراتب، نظم، عدالت، ثبات شغلی، ابتکار عمل و روحیه همکاری است. در مدیریت علمی تیلور از اصولی مثل تقسیم کار، استفاده از روش‌های علمی، استخدام دقیق کارکنان براساس شایستگی و آموزش آن‌ها، تعامل نزدیک مدیر و کارکنان در جهت دستیابی به اهداف نام برده شده است. افتخاری (۱۳۸۹) هم معتقد است که پایداری هر نهاد و مدیریت مردمی مبتنی بر اصولی است که باید به آن توجه کرد: ۱- فراگیری، ۲- یکپارچگی، ۳- خوداتکایی، ۴- مردم‌گرایی، ۵- سازگاری نهاد با محیط، ۶- رضایت‌مندی مردم از نهاد، ۷- با انگیزه بودن و برانگیزاننده بودن، ۸- داشتن رابطه منطقی با سایر نهادها در سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی، ۹- فرهنگ استمراربخشی به فرصت‌ها و تقسیم عادلانه فرصت‌ها، ۱۰- داشتن ساختار مناسب به گونه‌ای که به استمرار آزادی و انتخاب منجر شود، ۱۱- داشتن فرهنگ و بینش عدالت توزیعی در همه ابعاد فضایی- مکانی.

^۱ Governance

^۲ معنای نخستین واژه مدیریت در قرن شانزدهم تربیت و مهارت‌آسب و بعدها تربیت انسان بوده است، اما در قرون اخیر به معنی کنترل، سازماندهی و هدایت مطرح شد. به نظر می‌رسد از دهه‌های پایانی قرن بیستم این واژه دوباره دچار تغییراتی شده است (نقل به مضمون از برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

^۳ Gulic

^۴ POSDCORB مخفف واژگان زیر است:

Planning, Organization, Staffing, Directing, Coordinating, Reporting, and Budgeting.

^۵ Fayol

۲-۲- شناخت تحولات مدیریت دولتی

روستاها در ایران برخلاف گذشته خود بخشی از سلسله مراتب تقسیمات کشوری قرار گرفته و تحت حاکمیت و نظارت دولت اداره می‌شوند؛ از این‌رو مدیریت کنونی روستاها نیز تابعی از تغییرات در مدیریت دولتی است^۱؛ حوزه مدیریت دولتی بین چند رشته اصلی به نام‌های علم سیاست، علم مدیریت، علم حقوق (در نگاه روزنبلوم، ۱۹۹۷) و علم اخلاق (در نگاه دنهاوت، ۱۹۹۵) و در کشور ما علم دین قرار گرفته است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۷). هدف مدیریت دولتی، مطالعه فعالیت‌ها و اقدامات کارکنان بخش دولتی به انضمام ساختارها، روابط و نهادهایی است که این اقدامات از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۸). این علم در سیر تکامل خود نیز پارادایم‌ها، نهضت‌های مدیریتی، عقلانیت‌های متفاوت و رویکردهای متعددی را در پیش گرفته که عبارت از مدیریت دولتی سنتی، اداره دولتی نوین، مدیریت دولتی نوین، بازآفرینی دولت، خدمات دولتی نوین، دولت الکترونیک و حکمرانی خوب (همان: ۵ و ۲۷۴) است. مهم‌ترین هدف تمام نظریاتی که از دهه ۱۹۷۰ مطرح شد کاهش نقش دولت و افزایش نقش مردم و نهادهای مدنی بودند؛ از این‌رو توجه ویژه‌ای به حکومت‌های (سازمان‌ها) محلی صورت گرفت که به عنوان شکلی از مدیریت به دنبال ایجاد نهادهایی برای افزایش مشارکت مردم در امور اجرایی محل سکونت آنان بود. در ایران نیز از سده گذشته تشکیل این سازمان‌ها ابتدا در شهرها و با فاصله چند دهه در روستاها آغاز شد؛ همه این سازمان‌ها تا سال ۱۳۷۷ و تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا نماینده حکومت مرکزی محسوب می‌شدند. همان‌طور که مقیمی (۱۳۹۱) معتقد است حکومت محلی مفهومی قدیمی است، اما نهادهای خودگردان محلی پدیده به نسبت جدیدی هستند. مارسدن (۱۹۹۴) معتقد است شکست پروژه‌ها و طرح‌های از بالا به پایین و طراحی شده در خارج منجر به تدوین راهبردهای محلی و بومی و توسعه رهیافت‌های مدیریت انعطاف‌پذیرتر شده است. به عبارت دیگر نیاز جهان سوم و غرب به سازماندهی مجدد سرمایه و کاهش نقش دولت عامل توجه به سازمان‌های داوطلبانه و غیردولتی و بهره‌گیری از ابتکارات محلی بوده است^۲ (رایت، ۱۳۸۵: ۶۰). علاوه بر رویکردهای جدید مدیریت دولتی که بر ضرورت

^۱ پیش از آن باید یادآوری نمود که نظریات و مدل‌های بی‌شماری در ذیل هر یک از مکاتب علم مدیریت مطرح شده‌اند که اگر با دید کلان به آن‌ها بنگریم می‌توانیم آن را در سه دسته کلان‌نگر سازمانی، کلان‌نگر فردی (رهبر و مدیر) و کلان‌نگر مدیریتی (محتوای مدیریت) جای داد. نظریات کلان‌نگر مدیریتی خود به دو نوع تجاری (خصوصی) و دولتی (عمومی) تقسیم می‌شود (نقل به مضمون از اصلی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۶۷).

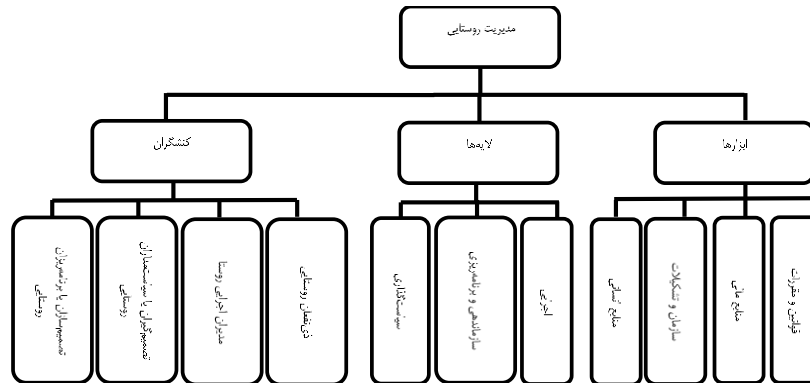
^۲ موضوع مدیریت بومی و درک محلی از سازمان و توسعه تنها در جهان سوم مطرح بود. شاید به این دلیل که چنین فرض می‌شد که در کشورهای غربی تفاوت زیادی بین عقاید حرفه‌ای و بومی درباره سازمان و مدیریت وجود ندارد.



توجه به مدیریت بومی تأکید دارد، از نظریات سازمان نیز می‌توان برای تبیین موضوع بهره برد. در این نگاه روستا به مثابه یک سازمان شناخته می‌شود. از مهم‌ترین نظریات مورد استفاده در این زمینه می‌توان به نظریه اقتضایی اشاره کرد. در این نظریه بر پایه نظریه نظام‌ها (سیستمی) استدلال می‌شود که هر نظام اجتماعی از زیر نظام‌های گوناگونی تشکیل شده است که همگی به هم وابسته و درارتباط هستند. برای دستیابی به هدف‌های نظام، زیرنظام‌هایی چون کار، انسان، فناوری و ساختار با توجه به سرشت ترکیبی نظام باید با هم همساز و یکپارچه شوند. با توجه به تفاوت‌های زیرنظام‌های هر نظام اجتماعی شرایط گوناگون محیطی به ویژه محیط بیرون سازمانی در هر زمان بهره‌گیری از راه و الگوی یگانه (جدا از درجه اعتبار و کارآمدی آن) برای تمام موقعیت‌ها کارساز نخواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۵).

۲-۳- مدیریت روستایی

موضوع مدیریت روستایی را باید زیرمجموعه مباحثی نظیر مدیریت توسعه پایدار و مدیریت توسعه روستایی دانست. ضرورت طرح آن نیز از آن‌جا ناشی می‌شود که روستا به منزله یک اجتماع سازمان‌یافته نیازمند وجود عنصری برای اداره امور کنونی و برنامه‌ریزی آینده آن است. مدیریت روستایی به معنی برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی برای اقدامات توسعه‌ای، هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده است (بدری و موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲). این فرایند می‌تواند از سوی تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی صورت پذیرد که به صورت رسمی یا غیررسمی در آن شرکت دارند. امروزه این شراکت بین دولت، بازار و نهادهای مردمی انجام می‌گیرد. پس مدیریت روستایی فقط حاصل تعامل ساده دهیاری‌ها با شورای روستا نیست و شامل کنشگران، لایه‌ها و ابزارهای مختلفی که هر یک از این عناصر در فرآیند مدیریتی روستا اثرگذار است (شکل ۱). رضوانی (۱۳۸۳) نیز در بیان الگوهای جدید مدیریت روستایی در ایران به محورهای نظیر مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد- هزینه، مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار و برقراری عدالت اجتماعی اشاره می‌کند.



شکل ۱ کنشگران، لایه‌ها و ابزارهای مدیریت روستایی (اقتباس از عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱)

به هر حال هر چند ایجاد و شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های محلی اهمیت و ضرورت بسیار زیادی دارد، ولی ماندگاری و موفقیت آن‌ها در زمینه دستیابی به اهداف توسعه (و توسعه روستایی) و نیز تحقق کارکردهای ویژه آن‌ها مستلزم مدیریت صحیح است. در این زمینه هر چند اصول مدیریتی عام برای مدیریت صحیح همه سازمان‌ها و نهادها لازم و ضروری است، ولی سازمان و نهادهای محلی ویژگی‌های خاص خود را دارند (مهدوی و کریمی‌پور، ۱۳۹۱: ۷ به نقل از کلانتری) که لاجرم باید از اصول خاصی نیز پیروی نمایند. از نظر راجرز این اصول عبارت از پاسخ‌گویی، عدالت محوری، ایفاکننده نقش و مسئولیت، دارای مشروعیت و جهت‌گیری برای افزایش مشارکت شهروندان روستایی، ارائه‌کننده خدمات عمومی مناسب و به موقع، ایجادکننده احساس تعلق در شهروندان روستایی است که همگی مدیریت توسعه روستایی را به حکمروایی خوب روستایی^۱ رهنمون می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۴۲). مهدوی و کریمی‌پور (۱۳۹۱) برای تدوین و طراحی الگوی مطلوب مدیریت توسعه روستایی کشور به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اساسی دیگری اشاره می‌کنند که عبارت از یکپارچگی و جامعیت، ثبات مدیریتی، همکاری و هماهنگی

^۱ برخی مقوله حکمروایی را یک موضوع کاملاً سیاسی و متفاوت از فرایند مدیریت می‌دانند (نقل به مضمون از صرافی و حسین‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۱ به نقل از برآبادی)، اما برخی آن را یکی از پارادایم‌ها یا شبه‌پارادایم‌های مدیریت دولتی و زیرمجموعه‌های آن برمی‌شمارند (نقل به مضمون از نرگسیان، ۱۳۸۷: ۱۶۷). برخی نیز آن را یکی از شروط پایداری می‌دانند. در عبارت بالا به نظر می‌رسد نویسنده آن را به مثابه یکی از رویکردهای مدیریت توسعه آورده است. نکته‌ای که وجود دارد این است که به نظر می‌رسد با وجود این که حکمروایی در شیوه مدیریت خود بر مشارکت افراد و نهادهای مختلف در مدیریت تأکید دارد، اما با توجه به اصول آن نظیر شفافیت، پاسخ‌گویی، قانون‌مداری و... تنها بر وظیفه‌مند بودن مدیران اشاره دارد و تکالیف دیگر افراد روشن نشده است و بیشتر به حوزه حقوق شهروندی گرایش دارد.



با نهادها و سازمان‌های مختلف و شورای اسلامی روستا، منابع مالی پایدار، مشارکت مردم محلی و آموزش نیروی انسانی است. افزودن هر اصلی به این اصول باید با در نظر گرفتن اهداف، ابعاد، وظایف و نقش‌های مدیریتی (بین‌فردی، اطلاع‌رسان و آگاهی‌بخش، تصمیم‌گیر، نظارتی و مشورتی) صورت پذیرد؛ براینکه همه آن‌ها نیز باید به استقرار عدالت به ویژه عدالت مکانی منجر شود.

۲-۴- مدیریت روستایی در ایران

ایران یکی از با سابقه‌ترین موطن یک‌جانشینی در دنیا به شمار می‌رود و همواره از اصول و چهارچوب خاصی برای ساماندهی این مکان‌ها برخوردار بوده است. اسماعیل شهبازی (۱۳۹۳) معتقد است جامعه روستایی ایران در طول تاریخ در حل مسائل و رفع مشکلات خود در جریان کار کشاورزی و زندگی روستایی مدیریت مستقل برخوردار بوده و بدین‌سان عاملیت مسئولانه، مدیریت و نظارت مشارکت‌جویانه اجتماعی داشته است، اما پس از آن و در دوران جدید روستا بخشی از سلسله مراتب تقسیمات کشوری قرار گرفت که تحت حاکمیت و نظارت دولت اداره می‌شود؛ براساس برخی از نوشته‌های تاریخی می‌توان احتمال داد که در سال ۵۶۰ میلادی و به فرمان خسرو انوشیروان مبنی بر انتخاب یک دهگان (دهقان) برای هر روستا، نخستین ساختار رسمی برای مدیریت روستاها به وجود آمد^۱. از نظر او چنین فردی باید هم برزگر باشد و هم صاحب زمینی که در آن کشت کند (خرده مالک) تا با مشکلات هر دو طرف آشنا باشد. به علاوه او باید لایق، منصف، امین و راستگو و مورد اعتماد بیشتر ساکنان روستا باشد. این دهگانان بر کنار نخواهند شد مگر این که درستی و کفایت خود را از دست بدهند (شهبازی، ۱۳۹۳: ۵) به نقل از کیهانی‌زاده). علاوه بر این مقام رسمی به دلیل شرایط اقتصاد بسته روستا، قدرت در دست خانواده‌ها بوده و اصل پدرسالاری^۲ معمول بوده است. به طوری که برای توزیع عادلانه اراضی کشاورزی میان خانواده‌ها، شورای شیوخ و سنن ناشی از احترام و نفوذ معتمدان و ریش‌سفیدان

^۱ دهگان، وظیفه تنظیم امور روستا، گردآوری مالیات، معرفی سرباز هنگام ضرورت، پرورش اسب برای فروش به ارتش و داوری برای حل اختلاف برزگر و ارباب زمین را برعهده داشت. او یک تکلیف عمومی هم دارد و آن گزارش وضعیت محصولات روستا، نارضایتی‌های محلی و ستمگری و اجحاف مقام‌های دولتی و اربابان به نمایندگان شخص او است.

^۲ از انواع شیوه‌های مدیریتی و رایج در جوامع انسانی می‌توان به مدیریت‌های زیر اشاره نمود: مدیریت پدرمدار، مدیریت قبیله‌مدار، مدیریت پدرسالار، مدیریت استبدادی، مدیریت مشروطه، مدیریت ارباب-رعیتی، مدیریت روستایی و کدخدا منشانه، مدیریت متمرکز و غیرمتمرکز، مدیریت دموکراتیک، مدیریت مشارکتی و شورایی، مدیریت انسانی، ترکیبی از مدیریت‌های اشاره شده در بالا (سیف‌اللهی، ۱۳۸۳).

بسیار مؤثر بوده است، اما با افزایش جمعیت روستایی دو دسته رییس برای اداره ده شناخته شدند؛ یکی ریش‌سفیدان و معتمدان و دیگری رؤسای واحدهای زراعی مانند سربنه، سردار و...؛ قدرت به اندازه کافی متمرکز نبود و صاحبان نسق به افراد قدرتمندتر دارای رابطه محرمیت با خانوارها و کسی نیاز داشتند که قدرت مدیریت مسائل اقتصادی را داشته باشد. به این نیاز ابتدا با ظهور کدخدا پاسخ گفته شد، اما در دوران پهلوی دوم گروه به نسبت پر شماری از مأموران دولتی در روستاها در قالب سپاهیان مختلف حضور یافتند. این افراد هرم قدرت ده را شکستند و در رأس آن قرار گرفتند. این امر موجب ایجاد نوعی مدیریت گروهی و در عین حال ابهام در قدرت هیأت رئیسه شده است. پیش از این کدخدا در بیشتر روستاها در تمام امور جز در امور دینی و مذهبی دخالت داشت. او اجازه نظارت بر نسق‌ها، تجهیز نیروها، حل و فصل اختلافات زارعین و رابط بین روستاییان و مباحثان و نمایندگان مالک بود و به دلیل محرمیت نسبی با خانواده‌ها بر امور داخلی آن‌ها نیز نظارت داشت. همین قدرت و نفوذ سبب می‌شد تا مالکان با گماردن نیروهای میانی مانع اقتدار کامل کدخدا شوند. این وضع تا ظهور تحولاتی در مبانی اقتصاد ملی یعنی آغاز دهه ۵۰ شمسی و اواخر اجرای کامل اصلاحات ارضی ادامه یافت. از این پس مدیران روستا وظیفه آموزش، جلب مشارکت بیشتر روستاییان در سرنوشت خود، بهسازی و عمران در مفهوم وسیع آن، ایجاد تنوع اقتصادی و بهبود بهداشت روستا را برعهده گرفتند (نقل به مضمون از ودیعی، ۲۵۳۵: ۴۴-۷۵). پس از پیروزی انقلاب هم پس از تحولات بسیار و خصوصاً تصویب مصوبه قانونی «تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری» در سال ۶۱ قانون دهیاری‌های خودکفا در تیرماه سال ۱۳۷۷ به تصویب مجلس رسید؛ این ساختار جدید نیز بنا بر نظر کارشناسان دارای نقایص و مشکلاتی است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم جامع‌نگری، بومی نبودن، مداخله گسترده دولت، نحوه استفاده از ظرفیت‌های درونی جوامع محلی، اداره و کنترل دقیق مکان و بهره‌وری از منابع موجود، رویگردانی گروه‌های اجتماعی از شرکت در انتخابات شوراها، برخورد سیاسی با انتخابات و نامزدهای انتخاباتی و حذف برخی از افراد متخصص و باتجربه، کم‌توجهی به نیازها و خواست‌های شهروندان، نبود تجربه مدیریتی مبتنی بر مدیریت شورایی و مشارکتی (مهدوی و کریمی‌پور، ۱۳۹۱: ۱؛ مهدوی و کریمی‌پور، ۱۳۹۱: ۲ به نقل از مطیعی لنگرودی؛ نقل به مضمون از سیف‌اللهی، ۱۳۸۳: ۱۹)، پایین بودن سطح آگاهی و سواد روستاییان که در برخی روستاها همکاری و مشارکت لازم را با شوراهای روستایی نداشتند، کاهش همکاری لازم از سوی برخی از ارگان‌ها و سازمان‌ها و شوراها که اهمیت چندانی برای فعالیت‌های شورایی قائل نبودند، پایین بودن سطح آگاهی شورای روستاییان و کم‌سوادی اعضای شورا و عدم ارائه آموزش‌های لازم به آنان، منحصر شدن فعالیت‌های شورا به



توزیع کالا و قرعه‌کشی و انجام امور روزمره روستاییان و فراموش شدن وظایف اصلی آن که موجبات بدبینی روستاییان را نسبت به اعضای شورا فراهم کرده است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۳ به نقل از مقدم). به موارد بالا می‌توان عدم حمایت مناسب از این نهاد نوساخته و عدم قدرت اجرایی مناسب، وظیفه‌مند شدن مدیریت در روستا و نیز عدم تناسب حقوق و تکالیف خواسته شده را افزود.

آثار و پیامدهای منفی این مشکلات برای سیستم مدیریت کلان کشور عبارت از نارضایتی عمومی و احساس اجحاف، احساس عدم امنیت، اکراه مشارکت در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، عدم اطمینان به مدیران و مدیریت، ناهمگونی در پندار، گفتار و کردار افراد و گروه‌های اجتماعی، قانون‌گریزی، واسطه‌تراشی، خویش‌مداری برای دستیابی به اهداف، گسترش فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی، گسترش روحیه واسطه‌گری و دلالتی و فرهنگ گریز از کار و تولید (نقل به مضمون از سیف‌اللهی، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۳) و نیز ایجاد گسست در جامعه کوچک و سنتی روستاست.

در این سیر طولانی شاید بتوان گفت دوران مشروطه به لحاظ قرار گرفتن دولت به عنوان رقیب مالکان در روستاها و وضع قوانین اولیه به منظور روشن شدن نحوه مدیریت روستا و مشارکت مردم نقطه عطفی در تحولات مدیریت روستایی کشور است. به طور کلی می‌توان برخی از ویژگی‌های عمومی مدیریت کلان گذشته که به رده‌های پایین مدیریتی نیز تسری یافت را به شرح زیر برشمرد. بیشترین بهره با کمترین خدمت، ستیز دائمی بین حاکمان و رعایا، تفاوت بین شخصیت فردی و عمومی حاکم (ریاکاری)، تمرکز سیاسی و عدم تمرکز اداری (اداره خودگران و ناحیه‌ای)، پر رنگ بودن نقش نیروهای مذهبی (و نه مذهب)، فاصله زیاد بین حاکم و رعیت، نقش نسبت‌ها به جای صلاحیت‌ها (بوروکراسی طبقاتی)، قوانین نه برای اصلاح بلکه برای بقا، استبداد، اقدامات گذرا و مقطعی و اغلب غیرقابل اجرا، تأکید بر قضا و قدر، مدیریت دستوری به جای مدیریت نهادینه شده و سیستمی، متأثر از اقدامات نظامی و جنگ‌ها. نتیجه آن نیز در بیشتر موارد جز تبعیض و بی‌عدالتی، قحطی و گرسنگی، فقر و بیماری، ناآگاهی و انزوای اجتماعی، فرار و مهاجرت و مرگ و نیستی روستا (کاهش جمعیت و تخلیه روستاها) نبوده است.^۱

^۱ مشکلات موجود تنها مشخصه مدیریت روستایی کشور نیست و باید در کنار آن به پتانسیل‌های موجود هم اشاره و از آن سود برد؛ وجود جوانان با انگیزه، مشارکت جو و تحول‌خواه، وجود زمینه‌های غنی فرهنگی، گرایش حاکمیت برای انتقال مسئولیت‌ها و اجتماع غیرپیچیده روستایی کشور از جمله این شرایط هستند.

۲-۵- الگوی مدیریت اسلامی- ایرانی

تعاریف و برداشت‌های متفاوتی از واژه الگو^۱ یا مدل^۲ براساس اهداف و انتظارات مورد نظر مستفاد می‌شود. در یک تعریف آن را به لحاظ لغوی به مفهوم سرمشق، مقتدی و اسوه و در اصطلاح آن را بیان یک یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف نوشتاری، ترسیمی یا فیزیکی می‌دانند (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۲۰ به نقل از عزتی). برخی آن را به عنوان بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می‌دهد و برخی آن را به عنوان پیش‌نویس یا نموداری معرفی کرده‌اند که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می‌دهد (هومن، ۱۳۸۶: ۶۵). الگو به مجموعه اطلاعات، داده‌ها یا اصولی اشاره دارد که به شکل کلامی، تصویری و گاهی به صورت ریاضی دسته‌بندی شده‌اند تا موجود بودن، عقیده و وضعیت یا پدیده معینی را معرفی یا توصیف کنند (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱ به نقل از بولا). رهبر معظم انقلاب نیز الگو را یک نقشه جامع برمی‌شمارند که هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی جامعه نشان می‌دهد (مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱: ۸). برخی نیز آن را به مفهوم طراحی تصویر مطلوب از آینده قلمداد می‌کنند (افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۳۶). الگوی مورد نظر متناسب با این موضوع ابتدا مطالب و امور پراکنده وضع موجود {موضوع} ملاحظه می‌شوند و سپس تلاش می‌گردد تا در یک جمع‌بندی ساده‌ترین ارتباط بین آن‌ها برقرار شود و به صورت یک الگوی ترکیبی ارائه گردد که دست کم قدرت تحلیل مطالعات صورت گرفته را داشته باشد (امیری و عابدی جعفری، ۱۳۹۲).

با توجه به تعاریف متعدد از الگو و آنچه به عنوان ضرورت‌های تدوین آن عنوان شد می‌توان گفت منظور از الگوی بومی (اسلامی- ایرانی) مدیریت روستایی، یک نقشه راهنما جهت مطلوبیت موضوع مورد نظر (مدیریت روستایی) براساس ویژگی‌ها، خواست‌ها و نیازها جامعه روستایی است که در ایران متأثر از ارزش‌های دو فرهنگ اسلام و ایران است. هدف از این کار تسریع در فرایند اجتماعی شدن دانش است؛ بنابراین این الگو به هیچ وجه بازنمایی ساختار سازمانی مدیریت روستایی گذشته یا بازشناسایی دانش بومی یا سنتی مدیریت روستایی و شناساندن هویت آن در

^۱ Pattern

^۲ درباره رابطه الگو و مدل باید بیان کرد که اصطلاح انگلیسی Pattern توسط جامعه‌شناسان فرانسوی به شکل Model به کار گرفته می‌شود (روشه، ۱۳۷۹: ۴۴) برخی بین این دو تفاوت‌هایی را قائل شده و معتقدند که واژه Model کمی پیچیده‌تر از واژه Pattern است (مندارس، ۱۳۴۹: ۲۱۰).



برابر دانش مدرن نیست. باید میان الگوی بومی مدیریت با الگوی مدیریت بومی^۱ باید تفکیک قائل شد. مفهوم دوم بر دانش بومی مدیریت به عنوان دانش تجربی گذشتگان تأکید دارد. در نهایت آن که باید در نظر داشت که الگوها چهارچوب ادراکی یا پنجره‌هایی به سوی جهان ایجاد می‌کنند. این چهارچوب‌ها برخی چیزها را غربال کرده و به برخی با سهولت اجازه عبور می‌دهند. شاید از این رو است که الگوها به ندرت به صفت درست یا غلط متصف می‌شوند (نقل به مضمون از دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۱۵ به نقل از باثوم^۲).

ترکیب مدیریت اسلامی و ایرانی یک ترکیب اضافی است که هر یک از آن‌ها بر مضاف خود تخصیصی ایجاد می‌کند. به همین سبب ویژگی این شکل از مدیریت خاص‌تر از حتی مدیریت اسلامی است. نجاری (۱۳۹۵) در جمع‌بندی خود از تعاریف مدیریت اسلامی تعریف جامعی از آن ارائه می‌دهد که با تغییراتی می‌توان مدیریت ایرانی را نیز با آن تشریح کرد. در این تعریف مدیریت اسلامی عبارت از مدیریتی است که براساس نظریه‌پردازی و تولید علم دانشمند مسلمان که با تکیه بر مبانی اسلامی و مفروضات بنیادین آن با روش‌های مختلف اعم از تعبدی و تعقلی (تجربی) به منظور ایجاد یا بهبود رفتارها، روش‌ها، فنون، ابزار، ساختارها و الگوها برای رفع مسائل و مشکلات و تأمین نیازهای مادی و معنوی و رشد و اعتلای جامعه اسلامی شکل می‌گیرد.^۳

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع توصیفی است. از آن جا که هدف مقایسه دو نوع مدیریت از ادبیات موجود است این تحقیق از نوع تحلیل محتوا و با رویکرد کمی است. براین اساس مؤلفه‌های اسلامی- ایرانی مدیریت روستایی کشور از چهار دسته منابع زیر استخراج شد: ۱- منابعی با موضوع مدیریت اسلامی که به کوشش استادان حوزه و دانشگاه نگاشته شده است؛ ۲- منابع

^۱ دیوید مارسدن (۱۹۹۴) معتقد است هدف مدیریت بومی تدوین راهبردهای محلی توسط مردم محلی برای کنترل منابع خود و استفاده از آن‌ها در تلاش برای توسعه خوداتکا است (رایت، ۱۳۸۵: ۶۰). حاجی شریف (۱۳۹۰) مدیریت بومی را فلسفه‌ای ارزشی برای اقدام عملی و هوشمندانه در جهت تحریک تعهد کارکنان و بهره‌وری حداکثری منابع برمی‌شمرد که اثر سینرژیک در تأمین اهداف دارد.

^۲ Birnbaum

^۳ او انواع رویکردها به مدیریت اسلامی را در دو دیدگاه کلان الف- منشأ و ساختار تئوری یا موضوع و ب- ماهیت و محتوای تئوری یا موضوع مطرح و سپس رویکردهای زیرمجموعه هر دیدگاه را معرفی می‌کند. دیدگاه اول به چهار رویکرد تأسیسی، تطبیقی، انطباقی و تلفیقی و دیدگاه کلان دوم هم به چهار رویکرد رشد، اصول‌گرایی، اخلاقی یا ارزشی و وظیفه‌گرایی تقسیم می‌شود.

مدیریت ایرانی که بیشتر حاصل نگاه برخی از اندیشمندان ایرانی به موضوع سیاست در طول تاریخ کشور است؛ ۳- نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ ۴- اهداف مورد تأکید در قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ سپس اصول مشترک مستخرج با اصول مورد تأکید در منابع مربوط به علم مدیریت و مدیریت روستایی مورد مقایسه قرار گرفت.^۱ اصول مورد اشاره در دو منبع اول مجموعاً به عنوان مؤلفه‌های مدیریت اسلامی و محتوای مورد اشاره در منابع سوم و چهارم به عنوان مؤلفه‌های مدیریت ایرانی در نظر گرفته شد.

واژه مدیریت در برخی از منابع خصوصاً منابع تاریخی و دینی با معنای مصطلح علمی آن به کار نرفته است. برای آن که این امر موجب سرگردانی ما نشود به یکی از این روش‌های زیر باید عمل کرد.

الف) در این گونه موارد واژگانی را که از نظر معنا و مفهوم به آن‌ها نزدیک‌اند و در قرآن {منابع} به کار رفته‌اند، انتخاب و بررسی می‌کنیم؛ اگر باز هم موفق نشدیم و نتوانستیم به واژگان کلیدی تحقیقمان دست یابیم باید موضوع را به چند موضوع کوچک‌تر تقسیم کنیم و آن موضوعات کوچک‌تر را یک به یک به قرآن {منابع} عرضه کنیم.^۲ اگر از طریقی که یاد شد نتوانستیم به کلید واژه‌ها و آیات مربوط به موضوعمان دست یابیم، از هر راهی که امکان دارد می‌توانیم آیات اصلی تحقیقمان را استخراج و بررسی کنیم. در این گونه موارد می‌توانیم به آثار علما و مفسرین مراجعه کنیم و ببینیم که ایشان در ارتباط با این موضوعات معمولاً به کدام آیات استناد و استشهاد کرده‌اند. فهرست کامل آن آیات می‌تواند به عنوان فهرست آیات اصلی تحقیق ما مورد استفاده قرار گیرد (لسانی فشارکی و مردانی‌زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۵)، همچنین با توجه به شناختی که از موضوع داریم، می‌توانیم از واژه‌هایی استفاده کنیم که ارتباط نزدیکی با آن دارد.^۳

^۱ اصول دیگری را نیز می‌توان از سایر منابع مرتبط با تحقیقات روستایی به این اصول افزود. حتی آگاهی از آسیب‌ها و نقاط ضعف مدیریت روستایی در ایران نیز به غنای بیشتر این اصول کمک خواهد کرد، همچنین قوانین، طرح‌های توسعه روستایی و به طور کلی هر اقدام صادر شده از حکومت‌ها و یا دولت‌ها که به نوعی روستاها را تحت تأثیر خود قرار داده است می‌تواند منابع دیگری از این دست باشد.

^۲ برای مثال در این روش مؤلفه‌های مدیریت روستایی را از منابع علمی استخراج و سپس به جستجوی این مؤلفه‌ها در منابع مورد نظر پردازیم.

^۳ برخی از واژه‌های مرتبط با مدیریت در زبان فارسی عبارت از سیاست کردن، حکومت کردن، اداره کردن، ریاست کردن، خلافت کردن، رهبری و هدایت کردن، تدبیر کردن، امر کردن و فرمان دادن، مملکت داری، کشورداری، ایالت و ولایت، زمامدار، والی، حاکم، سلطان، شاه و پادشاه، امیر، قیم، رئیس، رؤسا، مأمور، مسئول، کارگزار، مردم، رعیت، زیردست، اطاعت، مالیات و خراج و... است.



در منابع مربوط به مؤلفه‌های ایرانی نخستین اقدام ما برای یافتن معادل این عنوان معطوف به شناخت دسته‌بندی‌های علوم در گذشته است.^۱ جوانپورهروی (۱۳۸۷) معتقد است در سالیان دور مباحثی که می‌توان امروزه آن‌ها را از متفرعات علم مدیریت به حساب آورد، ذیل مسایل علوم دیگری همچون سیاست^۲، الهیات، کلام و حتی عرفان مطرح می‌شد. درباره آشنایی با مدیریت ایرانی هم محبوب (۱۳۹۰) معتقد است اگر بخواهیم با درون‌مایه مدیریت ایرانی آشنا شویم چاره‌ای نداریم جز این‌که آن را در حوزه سیاست و دولت بررسی کنیم. آن‌چه که به عنوان میراث علمی ایران زمین در باب مدیریت وجود دارد مربوط به نوع کلان آن یعنی سیاست بوده است. رستم‌وندی (۱۳۸۳) در بررسی تحولات اندیشه سیاسی در اندیشه ایرانشهری^۳ دسته‌بندی مناسبی از منابع مرتبط با آن ارائه نموده است^۴ (شکل ۲). براین اساس جستجوی اصول و مفاهیم مدیریت روستایی در منابع نیازمند استنباط این اصول از علوم مختلف و تعمیم آن خواهد بود.

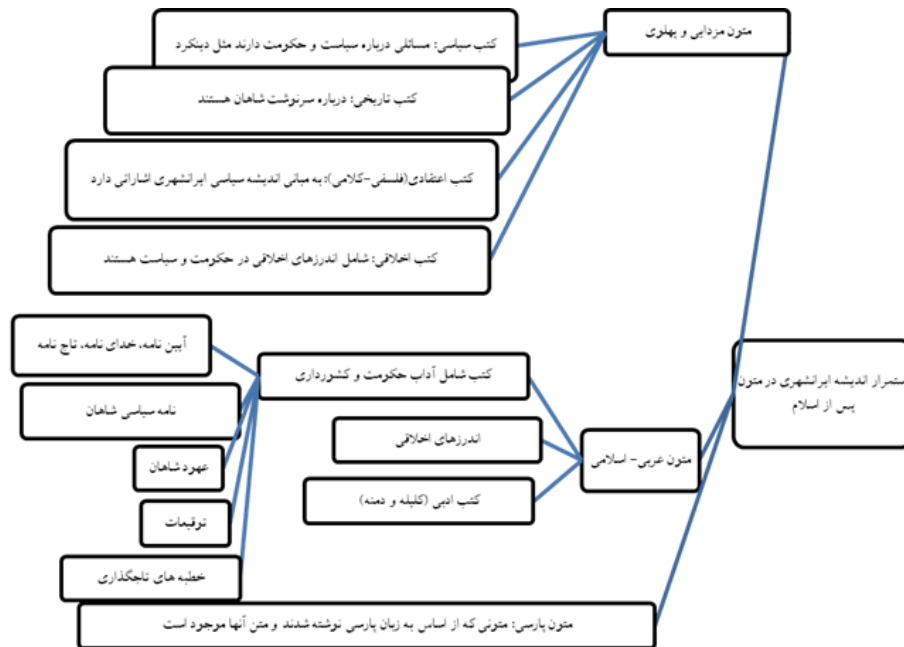
ب) روش دیگر این است که از بین آثار مختلف مهم‌ترین، مستندترین و یا پرارجاع‌ترین اثر را شناسایی و به مطالعه عمیق آن‌ها پردازیم. در منابع ایرانی تعداد بی‌شماری از این دست آثار وجود دارد که بخشی از مهم‌ترین آن عبارت از جاویدان خرد مسکویه رازی، قابوس‌نامه عنصرالمعالی کیکاوس زیاری، سیرالملوک (سیاست‌نامه) خواجه نظام الملک طوسی، کیمیای سعادت، نصیحه‌الملوک و تحفه‌الملوک امام محمد غزالی، کلیله و دمنه ابوالمعالی نصرالله شیرازی، مرزبان‌نامه وراوینی، اخلاق ناصری خواجه نصیرطوسی، رساله فی مبادی آراء اهل المدینه الفاضله، ابو نصر فارابی و... است.

^۱ علوم یا به تعبیر ارسطو فلسفه در گذشته به سه دسته کلی نظری، عملی و شعری یا تولیدی تقسیم می‌شده‌اند. علوم نظری شامل طبیعیات، ریاضیات و الهیات، علوم عملی شامل اخلاق، تدبیر منزل (یا همان اقتصاد امروزی) و سیاست مدن و علوم شعری یا تولیدی (شامل شعر و خطابه و جدل) می‌شد.

^۲ این علم برخلاف علم مدیریت که موضوع آن مسائل خرد و درون‌سازمانی است، فن و علم و دانش مدیریت کلان، فراسازمانی و فرابخشی محسوب می‌گردد.

^۳ ایرانشهر نام رسمی محدوده جغرافیایی و قلمرو حکومت ایران عصر ساسانی بود، اما اضافه «ی» نسبت به واژه ایرانشهر و ساخت ترکیب اندیشه ایرانشهری یا به طور جزئی‌تر اندیشه سیاسی ایرانشهری اصطلاح جدیدی است که امروزه برای اشاره به مجموعه تفکرات ایرانیان شامل آراء و عقاید اسطوره‌ای، دینی و ملی در عرصه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و... اطلاق می‌شود (رستم‌وندی، ۱۳۸۳: ۲۴).

^۴ پژوهشگران محترم برای سهولت در جستجو بین منابع مختلف می‌توانند از محصولات «مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی نور» استفاده کنند.



شکل ۲ دسته‌بندی منابع با موضوع سیاست و آداب فرمان‌روایی در منابع نگارش یافته پس از اسلام

در تحقیق حاضر اصول مدیریت اسلامی از ۱۱ کتاب و مقاله استادان و محققان مدیریت اسلامی احصا شده است. برای یافتن مصادیق روشنی از این اصول به کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه رجوع و با بررسی مستقیم ۹ خطبه و ۱۴ نامه با موضوع حکومت و مدیریت، بار دیگر به دسته‌بندی اصول مدیریت از دیدگاه حضرت علی^(ع) پرداخته شده است^۱. در احصای اصول مدیریت ایرانی نیز دو رساله دکتری و ۱۱ مقاله علمی-پژوهشی مطمح نظر قرار گرفت^۲.

^۱ خطبه‌های مورد بررسی شامل خطبه ۵، ۳۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۵۴، ۲۰۰، ۲۱۶، ۲۲۴ و نامه‌ها شامل نامه ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۴، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۵۱، ۵۳ (نامه امام به مالک اشتر)، ۵۹. لازم به ذکر است از کتاب ارزشمند دکتر پورعزت با عنوان مختصات حکومت حق‌مدار نیز برای کدگذاری استفاده شد.

^۲ بی‌شک هنگام مطالعه متون مختلف و مورد نیاز تحقیق به موارد معتناهی از ویژگی‌های مدیریت اسلامی و ایرانی برمی‌خوریم؛ بنابراین برای سهولت دست‌یابی به اهداف، باید موارد مشابه را ذیل دسته‌بندی‌هایی جای داد که ما در این‌جا از آن با عنوان «مؤلفه» یا Component نام برده‌ایم.

مؤلفه در لغت به معنای «اجزا» آمده است، اما به طور معمول با واژه‌هایی نظیر ویژگی، شاخص و اصول به کار می‌رود. در این‌جا با توجه به اهداف ابتدایی تحقیق یعنی شناسایی ماهیت مدیریت اسلامی و ایرانی به معنای اصول به کار گرفته شده است.



۴- یافته‌ها و نتایج تحقیق

منابع مختلفی برای یافتن خصیصه‌های مدیریت در هر دو فرهنگ ایرانی و اسلامی وجود دارد. در این پژوهش این منابع به دو دسته کلان اسلامی و ایرانی تقسیم شده‌اند که در هر یک از آن‌ها خود به دو دسته جداگانه تقسیم می‌شوند. در نهایت یافته‌های این بخش با اصول علم مدیریت مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا میزان انحراف آن آشکار شود.

۴-۱- ویژگی‌های عام مبنایی در مدیریت اسلامی

در اسلام چهار منبع اصلی کتاب، سنت، عقل و اجماع وجود دارد که برای استفاده در سه بخش از تعلیمات اسلامی یعنی عقاید، اخلاق و احکام استفاده می‌شود؛ بنابراین در این‌جا دامنه معرفت‌شناسی گسترده‌تری فراتر از عقل و حس نصیب محققان اسلامی شده که درک درست‌تری را نصیب آنان خواهد کرد. محققان و پژوهشگران بسیاری قبل و خصوصاً پس از انقلاب این ویژگی‌ها را مورد بررسی و مذاقه قرار دادند.^۱ در این‌جا ابتدا اصول مورد تأکید محققان مدیریت اسلامی بار دیگر مورد بازبینی و طبقه‌بندی قرار گرفت^۲ و در قالب مؤلفه‌های جدید ارائه شد. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است ۱۸ اصل و مقوله‌های مبنایی در مدیریت اسلامی قابل تبیین و تفسیر است. در بخش دوم این قسمت نیز اصول حکمرانی حضرت امیر(ع) از کتاب نهج‌البلاغه استخراج شد. در نهایت هم اصول مشترک آن‌ها ارائه شد. تحلیل میزان تأکیدات هر یک از اصول و مؤلفه‌ها در این حوزه با توجه به منابع در دسترس همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد با بیشترین فراوانی بر ارزش مداری، عدالت محوری و هدایت رشدمحور استوار است.

^۱ میرزاف (۱۳۹۲) چهار رویکرد کلی فلسفی، اخلاقی، تطبیقی و فقهی را در منابع مدیریت اسلامی شناسایی می‌کند. خنیفر (۱۳۸۴) به هفت رویکرد مستند به آیات و روایات محض، مستند به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی، تطبیقی و مقایسه‌ای مستند به استدلال‌های عقلی با استناد به نهج‌البلاغه با رویکرد ادبی و با رویکرد اخلاقی اشاره می‌کند. چاووشی (۱۳۸۸) پنج دسته از منابع را شناسایی می‌کند که عبارت از نظریه رشد، رویکرد اصول‌گرایی، رویکرد اخلاق و ویژگی‌های مدیران اسلامی، رویکرد وظایف مدیران مسلمان و رویکرد تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت است.

^۲ این اصول براساس نظرات افراد زیر در طبقات مختلف دسته‌بندی شده است: انصاری و دعایی (۱۳۸۱)، نقی‌پور (۱۳۷۶)، کاظمی (۱۳۸۱)، قبادی (۱۳۸۱)، برنجی (۱۳۷۷)، فروزنده و جوکار (۱۳۸۶) به نقل از بهشتی، جاسسی (۱۳۷۵)، عسگریان (۱۳۷۴)، انصاری (۱۳۸۴)، مشبکی (۱۳۷۷)، علی‌احمدی (۱۳۸۳) و نجاری (۱۳۹۵)؛ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به نجاری (۱۳۹۵) و فروزنده دهکردی (۱۳۹۳).

جدول ۱ اصول و مؤلفه‌های مبنایی در مدیریت اسلامی

ردیف	اصول	مقوله
۱	مشارکت (تعاون و مشارکت، باز و آزاد؛ تبعیت منافع فرد از منافع جمعی (۲)، مشورت، احترام به افکار دیگران، مشاوره‌جویانه، حرکت در جمع و ایجاد مجموعه تأثیرگذار مفید)	مشارکت‌جویانه
۲	دانشمندی و بینش، روش مدیریتی علمی، احترام به علم	علمی
۳	آخرت‌گرایی و هدف‌گذاری (۶)، تدبیر و تدبیر، تعیین هدف در جهت رشد انسان، اولویت رفاه مردم	هدفمند
۴	ادای تکلیف، عمل و تلاش (۲)	جهادی
۵	توکل، خوش‌بینی (۲)، ایمان و غیب‌محوری	امیدوار
۶	ولایت‌مداری، عدم تقدم بر خدا و رسول (ص) (۵)، ایمان‌گرایی و خدامحوری (۳)، رضایت خداوند	دینی و خدامحور
۷	رعایت بیت‌المال، رعایت حقوق دیگران، انصاف و عدالت (۲)، پای‌بندی به ضوابط به‌جای روابط (۲)، قانون‌گرایی و قانون‌مندی، اعتدال، توازن و اعتدال، جدایی شخص از موضوع، اعتدال و میانه‌روی، قسط و عدالت (۳)، توجه به محرومین، حقوق و پاداش عادلانه	عدالت‌محور
۸	صداقت، گفتن و عمل کردن، وفاداری، امانت، صداقت و عمل صالح، رعایت عهد و امانت، آگاهی نیروها، آگاهی و بصیرت، بصیرت نیروها	صداقت
۹	نظام‌گرایی ^۱ (سیستمیک)، کلیت و عام بودن ^۲ ، جهان‌بینی اسلامی ^۳	
۱۰	اخلاق اجتماعی	مدارا و تقیه، گذشت و بردباری، خیرخواهی، رازداری (۲)، مؤانست و توجه به افراد، احسان، اعتماد مدیریت به امت مسلمان، ابوت و بنوت، برادری و اخوت، ارزش‌مداری
	اخلاق فردی	مراقبت و محاسبه، عزت نفس، اعتماد به نفس، تواضع، ساده‌زیستی، خودسازی، کنترل نفس، آگاهی و بصیرت
۱۱	رعایت مصالح و اولویت‌ها	
		مصلحت‌سنج

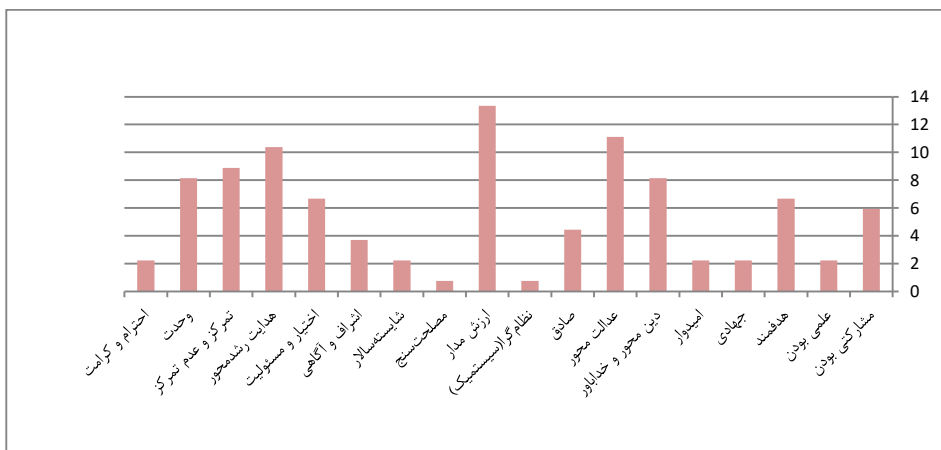
^۱ سیستمیک یعنی مجموعه هماهنگ از تمامی ابعاد که اجزای آن با یکدیگر مرتبط بوده و روی یکدیگر اثر می‌گذارند. در این تفکر انسان، گروه و جامعه، جدا از محیط و مجزا از ارزش‌ها و قوانین حاکم بر آن ارزیابی نمی‌شود (نقل به مضمون از جاسبی، ۱۳۷۵: ۱۰).

^۲ با توجه به این‌که بحث مدیریت اسلامی بیشتر پیرامون اصول و مبانی مدیریت است تا بحث تکنیک‌ها و روش‌ها بحثی کلی و اساسی است که مربوط به همه سطوح مدیریت است. به این ترتیب این اصول، مدیریت گروه، سازمان و حتی مدیریت جامعه و امت اسلامی را نیز دربرمی‌گیرد (همان: ۱۵).

^۳ جاسبی (۱۳۷۵) سه اصل از اصول مدیریت اسلامی را اصل جهان‌بینی اسلامی، کلیت (عام بودن) و نظام‌گرا عنوان می‌کند. به نظر می‌رسد از بین سه اصل فوق دو اصل اول بیشتر ویژگی اصول مدیریت اسلامی باشد تا یکی از اصول آن در شکل ۳ تنها به اصل نظام‌گرایی اشاره شد.



ردیف	اصول	مقوله
۱۲	توانایی‌ها و خصایص لازم برای مدیر، گزینش مدیران براساس ایمان و صداقت (عدالت)، تناسب شغل با فرد	شایسته‌سالار
۱۳	ارزشیابی و نظارت، نظارت مستمر، ارزیابی عملیات، امر به معروف و نهی از منکر، انتظار از مدیر، حضور و شهود	اشراف و آگاهی
۱۴	اختیار و مسئولیت ^۱ (۴)، اختیار نیروها، مسئولیت متقابل، اختیار نیروها، تناسب مسئولیت با اختیار، اصل مسئولیت	اختیار و مسئولیت
۱۵	هدایت و رهبری (۳)، بشارت و انذار (۲)، تعلیم و تعلم مستمر (۲)، خوف و رجاء یا بشارت و انذار (۲)، آموزش مستمر، جذب و پرورش و رشد همه انسان‌ها، آموزش، رهبری و هدایت استعدادها؛ هدایت رشد محور	هدایت در جهت رشد
۱۶	سلسله مراتب (۳)، تقسیم کار، انضباط (۲)، اقتدار سازمانی، تمرکز (۳)، خودگردانی، تحزب و سازماندهی	تمرکز و عدم تمرکز
۱۷	وحدت جهت، وحدت دستور (۲)، یکپارچگی و هماهنگی در عین مشخص بودن مسئولیت‌ها، جلوگیری از تشتت آرا، وحدت و هماهنگی (۵)، کنترل درونی و هماهنگی	وحدت
۱۸	حفظ حرمت انسان، حفظ کرامت انسان، احترام به مردم، توجه به جایگاه انسانیت	احترام و کرامت



شکل ۳ درصد فراوانی اصول و مؤلفه‌های مبنایی در مدیریت اسلامی

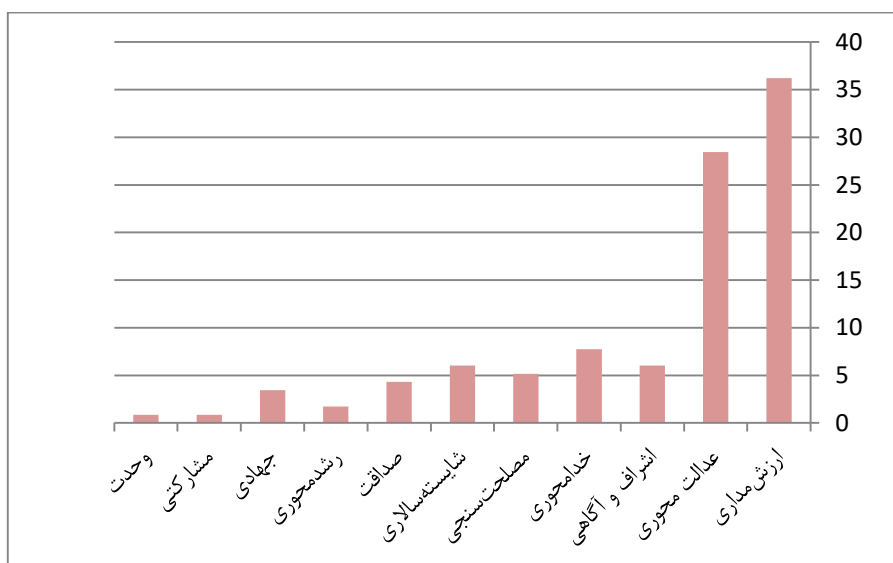
^۱ اعدادی که در مقابل برخی مؤلفه‌ها قید شده و نشانه تکرار آن‌ها در منابع مختلف است.

جدول ۲ اصول و مؤلفه‌های مبنایی مدیریت اسلامی در نهج البلاغه

ردیف	اصول (کدهای انتخابی)	مقوله
۱	اخلاق اجتماعی	ارزش‌مداری
	اخلاق فردی	
۲	عدالت‌ورزی، برپایی عدالت، دفع ستم ستمگران، عدم سلطه بر مردم و عدم سلطه‌پذیری (ظلم‌ستیزی)، رعایت حقوق متقابل، عدم تبعیض در کمک به مردم، پرهیز از ستم‌کاری (۲)، پرهیز از امتیازخواهی برای خود (۲)، مقاومت در برابر امتیازخواهی دیگران، برخورد قاطع با زیاده‌خواهی، برخورد با زیاده‌خواهی نزدیکان، برخورد شدید با خیانت‌کاران، عدالت در رفتار (۲)، استفاده صحیح از مدیران، قدردانی از مدیران پرتلاش، رعایت منزلت افراد متناسب با عملکرد آنان، عدالت در توزیع بیت‌المال (۲)، برخورد با خائنان به بیت‌المال، برخورد قاطع با خیانتکار، رعایت عدالت در برخورد با مردم، دوری از استبداد، رعایت انصاف، رعایت حقوق همه افراد، رعایت حقوق حتی در صورت ضرر به خود و نزدیکان، حق محوری و رعایت عدالت، رعایت حقوق خود و دیگران، احترام به مالکیت مردم، عدم تجاوز به اموال مردم، توجه به اقشار ضعیف	عدالت‌محوری
۳	کسب اطلاع از اقدامات زیردستان (۳)، آگاهی در انجام اقدامات، نظارت دقیق بر زیردستان، آگاهی از تاریخ، آگاهی داشتن	اشراف و آگاهی
۴	حمایت از دین خدا، کمک در برپاداشتن دین، تقویت دین خدا، مقدم داشتن خشنودی خدا، انجام کارها براساس رضای خداوند (۲)، اولویت‌بندی اقدامات براساس توجه به رضایت مردم و تحت پوشش قراردادن توده، اجرای حدود الهی، کمک به اجرای حق	خدامحور



ردیف	اصول (کدهای انتخابی)	مقوله
۵	انجام به موقع امور، انجام امور بدون شتاب یا سهل انگاری، عدم غفلت از امور مهم، توجه به اقدامات مشابه صورت گرفته و نتایج آن، عدم لجاجت بر انجام امور مبهم، محترم داشتن سنت‌های نیکو	مصلحت‌سنج
۶	انتخاب زیردستان با آزمایش و مشورت، انتخاب زیردستان براساس تجربه، حیا و جایگاه خانوادگی آنان، انتخاب زیردستان براساس سابقه نیک، انتخاب زیردستان صالح و حق‌گو، عدم مدیریت فرد مقتصد، لزوم صلاحیت حاکمان	شایسته‌سالار
۷	صداقت، وفای به تعهدات، عدم بزرگ‌نمایی از اقدامات، پرهیز از بدعهدی، کوچک نشمردن مشارکت مردم	صداقت
۸	آموزش (۲)	رشد
۹	تلاش برای انجام امور مردم، دغدغه عمران و آبادی داشتن، تلاش برای برطرف کردن نیاز مردم، کاستن مشکلات مردم	جهادی
۱۰	مشارکت (مشورت و عدم مشورت با افرادی بخیل، ترسو و طمع‌کار)،	مشارکتی
۱۱	اتحاد در انجام امور	وحدت



شکل ۴ درصد فروانی اصول و مؤلفه‌های مبنایی مدیریت اسلامی در نهج البلاغه

در این حوزه نیز همان‌طور که شکل ۴ نشان می‌دهد از برحسب تعدد تأکیدات، ارزش‌مداری و عدالت‌محوری از بیشترین فراوانی برخوردار بوده‌اند که از این نظر با اصول عام مدیریت اسلامی اشتراک دارد؛ بنابراین براساس مطالعه صورت گرفته ارزش‌مداری و عدالت‌محوری دو ویژگی و شاخص مهم مدیریت اسلامی به حساب می‌آید.

۴-۲- ویژگی‌های عام مبنایی در مدیریت ایرانی

در موضوع مدیریت ایرانی محققان رشته‌هایی نظیر مدیریت، سیاست، تاریخ و ادبیات فارسی، موضوع مدیریت، سیاست و حکومت را در اندیشه ایرانیان مورد توجه قرار دادند که ما در جدول ۳ به قسمتی از دستاوردهای آن‌ها اشاره می‌کنیم. علاوه بر این، به دلیل اهمیت قانون اساسی کشور به عنوان میثاق ملی ایرانیان و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به عنوان نقشه راه حرکت همه بخش‌ها به خصوص مدیریت کلان کشور، اصول و اهداف این اسناد در جدول ۴ به عنوان تکمله این بخش گنجانده شده است. لازم به یادآوری است که بخشی از اصولی که به عنوان مدیریت ایرانی مد نظر قرار گرفته حاصل جرح و تعدیل دانشمندان و سیاست‌مداران مسلمان ایرانی است؛ آن‌ها گاهی با فاصله چند قرن پس از ورود اسلام و متأثر از آن به بیان ویژگی‌های حاکمان و حکومت‌های سابق ایران‌زمین و یا حکومت مطلوب خود پرداخته‌اند. از آن‌جا که اصول یادشده حاصل اندیشه و تجربه و خواست اندیشمندان وطنی است می‌توان آن را در زمره اصول ایرانی جای دارد.

همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود بیشترین درصد فراوانی به سه اصل ارزش‌مداری، عدالت‌محوری و «مصلحت‌سنجی» اختصاص یافته است. یکی از نکات قابل توجه افزایش میزان فراوانی اصل مصلحت‌سنجی است. این در حالی است که در منابع پیشین به مصادیق مصلحت‌سنجی کمتر توجه شده است. شاید از دلایلی کاهش میزان اهمیت مصلحت‌سنجی توجه به اصل «خدامحوری» و کسب رضای خداوند در متون مرتبط با مفاهیم مدیریت اسلامی باشد. در عین حال دو مؤلفه اولیه یعنی ارزش‌مداری و عدالت‌محوری به مانند مدیریت اسلامی از اصول با اهمیت به شمار می‌رود.



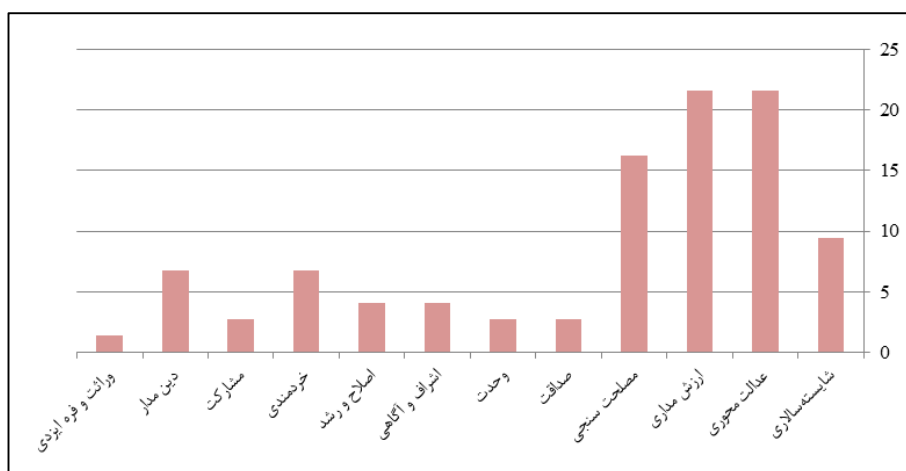
جدول ۳ اصول و مؤلفه‌های مبنایی در مدیریت ایرانی^۱

ردیف	اصول	مقوله
۱	سپردن کارها به عقلا و کاردانان، تأکید بر استفاده از افراد کاردان و خردمند، استفاده از افراد با تجربه در کارهای مهم، الزام افراد شایسته به پذیرش مسئولیت، انتخاب حاکمان و والیان شایسته، انتخاب همکاران صالح، انتخاب عاملان شایسته	شایسته‌سالار
۲	مبارزه با سنت‌های ظالمانه گذشته، توجه به سنت‌ها، مستند کردن امور، ثبت وقایع، تأکید بر برپایی عدالت (۲)، ایجاد امنیت و دفع ظلم از مردم، حفظ طبقات اجتماعی، رفاه مردم، دوری از ظلم (۲)، رعایت عدالت ^۲ (۴)، رعایت تساوی میان رعیت، پرهیز از جور و فساد، رعایت مدارا با رعیت و سخت‌گیری با بی‌رحمان، انگیزش به‌جا و بی‌تأخیر	عدالت‌محور
۳	اخلاق اجتماعی	ارزش‌مدار
	اخلاق فردی	
۴	سیاست مختلف در برخورد (دوستی، مدار و اجبار با زیردستان)، سیاست نیکو، دوری از شتاب‌زدگی در انجام کارهای مهم و حساس نظیر جنگ، عدم شتاب‌زدگی در کارها، عاقبت‌اندیشی، نهراسیدن از نتایج مناقشه‌ای که تحمیل شده و چاره‌جویی برای پیروزی در آن، بهره‌گیری از تجربیات، تدبیر در امور، سعه صدر در کارها (۲)، صبور بودن، خویش‌داری در عقوبت و تعجیل در پاداش	مصلحت‌سنج
۵	حفظ امانت، راستگو بودن	صداقت
۶	وحدت در مدیریت، تعیین دقیق مسئولیت‌ها	وحدت

^۱ منابع مورد در این بخش عبارت بود از: رستم‌وندی (۱۳۸۳)، ازغندی و اکوانی (۱۳۹۱)، رهبری (۱۳۹۳)، ظهیری‌ناو و همکاران (۱۳۸۹)، کرمی و نوروزی (۱۳۸۷)، فضل‌نژاد (۱۳۸۹)، اسلامی (۱۳۹۲)، منصوری و غلامی (۱۳۹۰)، معینی و همکاران (۱۳۹۴)، مشتاق‌مهر (۱۳۸۵)، بیگی‌نیا (۱۳۹۱)، محمدی (۱۳۷۹)، شریف‌پور و محمدی (۱۳۸۷).

^۲ غزالی در نصیحه‌الملوک موارد زیر را از مصادیق عدالت می‌داند: شناخت قدر ولایت و علم به خطرات آن، اشتیاق به دیدن علما و شوق شنیدن نصایح آنان، عدم اکتفا به رفع ید خود از ظلم، بلکه تهذیب دیگران، فرو خوردن غضب و گذشت از خطای دیگران، نپسندیدن امور ناپسند برای دیگران، منتظر نگذاشتن ارباب جوامع، قناعت در همه امور، پرهیز از شدت و عفو و انجام امور با ملایمت، تلاش برای رضایت رعیت با موافقت شرع و...

ردیف	اصول	مقوله
۷	اطلاع از نحوه رفتار کارگزاران با مردم، احاطه به احوال مردم، نظارت دقیق بر عاملان	اشراف و آگاهی
۸	وراثت و فره ایزدی	
۹	تذکر لغزش‌ها در نهان، اصلاح مدیران، جابه‌جایی مسئولان	اصلاح و رشد
۱۰	برخورداری از خرد و دانش (۲)، به‌کارگیری خرد در حل و فصل مناقشات، توجه به دانایان، پیروی از خرد	خردمندی
۱۱	مشورت با صالحان، لزوم مشورت با دانایان، استفاده از رحانیون مذهبی در حل و فصل مشکلات	مشارکت
۱۲	تؤامان بودن دین و ملک (۳)، بهره‌گیری از دستورات دینی، استفاده از رحانیون مذهبی در حل و فصل مشکلات	دین‌مدار



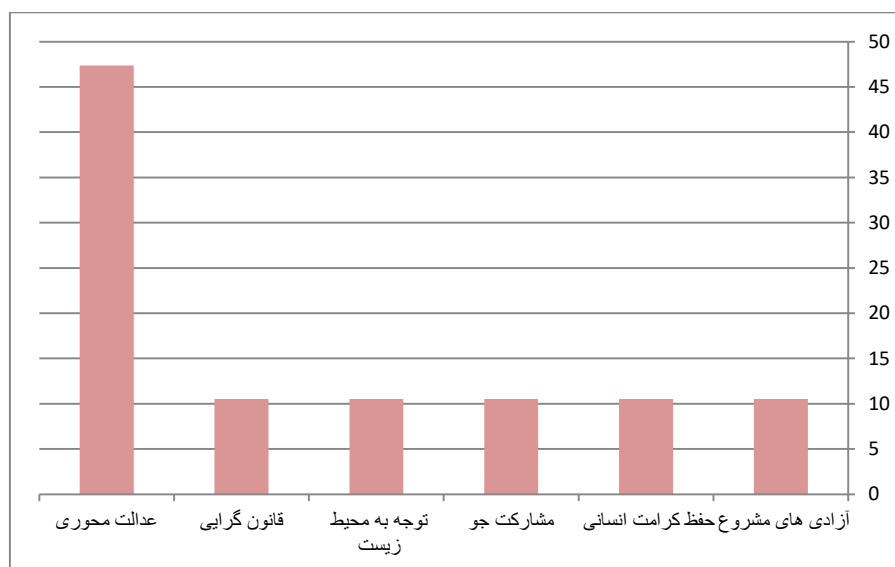
شکل ۵ درصد فراوانی اصول و مؤلفه‌های مبنایی در مدیریت ایرانی

همچنین در جدول ۴ که نشانگر مؤلفه‌ها و اصول یاد شده در اسناد کلان نظام است، بیشترین اهمیت به عدالت و مصادیق آن داده شده است.



جدول ۴ اصول و اهداف اشاره شده در اسناد بالادستی نظام

محورها	منابع استخراج اصول	اصول و مؤلفه‌ها
اسناد بالادستی	قانون اساسی ^۱	آزادی‌های مشروع، نظارت، حفظ کرامت انسانی، شفافیت، مشارکت مردم، دانایی محور و آگاهی‌بخش، پاسخ‌گو، توجه به محیط‌زیست، قانون‌گرایی، عدالت‌محور ۵ (مبارزه با فساد و نفی سلطه، تضمین حقوق مردم، تأمین اجتماعی، عدالت اقتصادی، رفع فقر)
	سند چشم‌انداز	توسعه‌گرا، بومی (ملی)، ارزش‌مدار و انقلابی، مردم‌سالار (مشارکت‌جو)، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت انسانی، حقوق انسان‌ها (قانون‌گرایی)، محیط‌زیست مطلوب، عدالت محور ۴ (تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد)
اهداف مشترک		آزادی‌های مشروع (۲)، حفظ کرامت انسانی (۲)، مشارکت‌جو (۲)، توجه محیط‌زیست (۲)، قانون‌گرایی (۲)، عدالت‌محوری (۹)



شکل ۶ اصول و اهداف در اسناد بالادستی نظام

^۱ برای مطالعه بیشتر روجع شود به خوش‌چهره و حبیبی (۱۳۹۱)

۴-۳- اصول مدیریت رایج و مدیریت روستایی

یکی از انتقاداتی که از سوی منتقدین به الگوهای بومی وارد می‌کنند آن است که آن را سنتی و کهنه یا آرمانی و دور از دسترس می‌دانند. یکی از راه‌ها مرتفع کردن این ضعف‌ها، ایجاد هم‌سازی میان اصول علمی و الگوهای مورد نظر است. جمع‌بندی برخی از اصول قید شده در منابع مدیریت و مدیریت روستایی در جدول ۵ نشان می‌دهد که اصل عدالت در کنار اصولی نظیر مشارکت و هماهنگی از اهمیت بالایی در میان سایر اصول برخوردار است.

جدول ۵ اصول مدیریت رایج و مدیریت روستایی

منابع	اصول و مؤلفه‌ها
مدیریت (اصول عام مدیریت فایول، اصول پس‌دکورب گیولیک، اصول علمی تیلور)	تقسیم‌کار (۲)، اختیار و مسئولیت، انضباط (۲)، وحدت فرماندهی (۲)، وحدت مدیریت، تبعیت منافع فرد از منافع سازمان، جبران خدمات، تمرکز، سلسله مراتب، عدالت، ثبات شغلی، ابتکار عمل و روحیه همکاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی (۲)، آموزش نیروها و امور پرسنلی (۲)، رهبری، هماهنگی، ارتباط درون سازمانی و بودجه‌ریزی، حیطه کنترل، روش علمی، استخدام شایستگان، تعامل نزدیک مدیر و کارکنان
مدیریت وستایی (افتخاری: ۱۳۸۹؛ مهدوی و کریمی‌پور: ۱۳۹۱؛ افتخاری: ۱۳۸۹ به نقل از راجرز)	پاسخ‌گو بودن، عدالت محور بودن، ایفاکننده نقش و مسئولیت، دارای مشروعیت و جهت‌گیری برای افزایش مشارکت (۳)، رضایتمندی مردم از نهاد (۲)، ارائه‌کننده خدمات عمومی مناسب و به موقع، ایجادکننده احساس تعلق، محلی و متناسب با محیط (۲)، یکپارچگی و جامعیت (۲)، ثبات مدیریتی، همکاری و هماهنگی با نهادها و سازمان‌ها در سطوح مختلف (۲)، منابع مالی پایدار، آموزش نیروی انسانی، خودتکایی، با انگیزه بودن و برانگیزاننده بودن، داشتن ساختار مناسب به گونه‌ای که به استمرار آزادی و انتخاب منجر شود، عدالت محوری در همه ابعاد (۲)، گفتمان، اجماع

۵- نتیجه‌گیری

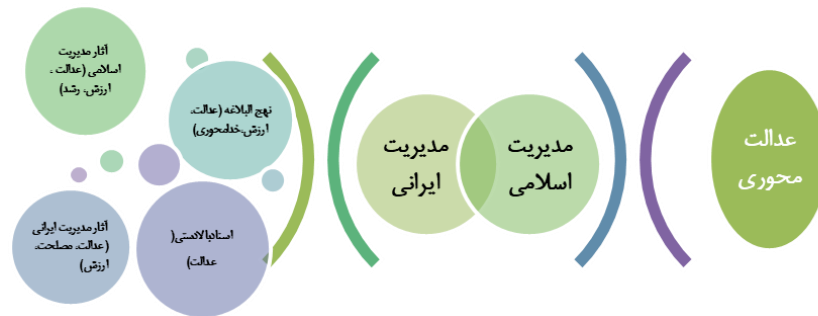
امروزه دیگر کمتر کسی را می‌توان یافت که به نقش تعیین‌کننده شرایط محیطی و فرهنگی در شیوه توسعه و مدیریت جوامع معترف نباشد. در ایران نیز این ضرورت به خصوص پس از انقلاب اسلامی بیش از هر زمان دیگری احساس شد. در علم مدیریت تلاش‌هایی برای روشمند کردن طراحی نظریات بومی و نیز تطبیق مدل‌های غربی با مفاهیم اسلامی انجام شد. همین فرایند در توسعه و مدیریت روستایی نیز کم و بیش دنبال شد. در کتاب بنیان‌های نظریه‌ای الگوی توسعه



روستای نمونه شیوه دستیابی به یک چهارچوب نظری (مدل مفهومی) برای توسعه پایدار محلی با رویکرد مشارکتی و مبتنی بر نظریات جدید توسعه مطرح می‌شود. علاوه بر این در برخی منابع به مقتضای زمان پیشنهاداتی برای بهبود یا اصلاح مدیریت روستایی نیز صورت گرفته است، اما در خصوص اصول و مؤلفه‌های اساسی مدیریت روستایی که مبتنی بر مقتضیات فرهنگی و نیازهای جامعه روستایی ایران باشد تاکنون فعالیتی انجام نگرفته است. این اصول هم می‌تواند پایه فعالیت‌های علمی آینده قرار گیرد و هم سنگ محک عملکرد سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران کشور در زمینه توسعه و مدیریت روستایی باشد.

با توجه به اهمیت این موضوع تحلیل‌های محتوایی در چهار حوزه اسنادی مدیریت حکایت از آن دارد که در حوزه عام مدیریت اسلامی سه اصل عدالت‌محوری، ارزش‌مداری و هدایت رشد محور اصول بنیانی مدیریت محسوب می‌شوند. در کتاب نهج‌البلاغه نیز ارزش‌مداری، عدالت‌محوری و خدمات‌محوری از بیشترین تأکید برخوردار است، همچنین اصول مدیریت ایرانی نیز با سه اصل عدالت‌محوری، مصلحت‌سنجی و ارزش‌مداری منطبق است. در اسناد بالادستی نیز برای اصل عدالت اهمیت قابل توجهی در نظر گرفته شده است. به طور کلی همان‌طور که از شکل ۷ هم برمی‌آید اصول عدالت و ارزش‌مداری بیشترین تکرار را بین مؤلفه‌های اسلامی و ایرانی دارد و از این میان عدالت مؤلفه و ویژگی مشترک میان دو جزء این حوزه محسوب می‌شود. نکته مهم قابل یاد دیگر آن که قرابت مفهومی جالب توجهی بین اصول مدیریت در هر دو فرهنگ وجود دارد. این امر از تداخل جدای‌ناپذیر این دو فرهنگ در قالب یک فرهنگ خاص به نام اسلامی-ایرانی حکایت دارد که به حوزه اندیشه‌ای مدیریت جامعه نیز کشیده شده است.

بررسی اصول حاکم بر علم مدیریت و مدیریت روستایی هم نشان می‌دهد که یافته اصلی این تحقیق یعنی درک اهمیت اصل عدالت نه تنها انحرافی از اصول علم مدیریت ندارد، بلکه در تعداد دیگری از اصول نیز با آن هماهنگ است. تنها تفاوتی که ممکن است در این موارد وجود داشته باشد در میزان اولویت و تقدم اصول مشترک در مدیریت اسلامی-ایرانی و مدیریت رایج است.



حوزه های اسنادی مدیریتی

حوزه های تلخیصی

مؤلفه و اصل مشترک

شکل ۷ مقایسه اصول مدیریت در منابع مختلف براساس بیشترین میزان فروانی

تمام ساختار و فرایندهای مدیریت چه در بعد سخت یعنی ساختار، استراتژی و سیستم و چه در بعد نرم یعنی سبک، کارکنان و مهارت‌ها باید خود را با این اصل مشترک همگام سازند، اما برقراری این رابطه نیازمند درک درست از تعریف عدالت است. این امر کار ساده‌ای نیست، زیرا اگرچه عدالت خواست فطری بشر بوده اما برداشت‌های ثابتی از این واژه در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف جود نداشته است؛ به طوری که حتی در بین اندیشمندان مسلمان هم این تفاوت‌ها قابل مشاهده است و حتی همواره یکی از موضوعات مورد اختلاف فرقه‌های فکری نظیر اشاعره و معتزله و یا امامیه و غیرامامیه بوده است. جدای از مباحث کلامی این افراد برخی عدالت را اصرار و استقامت بر رعایت قانون، دینی و غیر آن می‌دانند؛ برخی نیز ویژگی‌هایی مثل پرهیز از افراط و تفریط یا اتراف و استضعاف^۱، نفی تبعیض‌ها و مظالم و مسدود کردن راه‌های تجدید آن، رعایت حقوق هر فرد و اعطای حقوق هر وجودی براساس میزان استحقاق آن برمی‌شمارند. عده‌ای هم بر شاخص‌های کاربردی نظیر توجه به برابری فرصت‌ها، رشد ظرفیت‌ها و به‌کارگیری توانمندی‌ها تأکید دارند. محققان علم مدیریت برای عملیاتی کردن این مفاهیم عدالت را به بخش‌های مختلف نظیر عدالت رویه‌ای، توزیعی، مراوده‌ای، اطلاعاتی، مشاهده‌ای، زبان‌شناختی، احساسی و... طبقه‌بندی و برای هر یک از آن‌ها اصولی برشمرده‌اند.

از آن‌جا که مشکلات کنونی روستاهای ایران نظیر مشارکت، تفویض اختیار، ساختار و منابع مالی به نوعی با موضوع عدالت گره خورده است، لزوم توجه بیشتری به این موضوع را می‌طلبد.

^۱ به لحاظ واژه‌شناسی، اتراف به معنای غوطه‌ور شدن مطلق در لذایذ و مطامع دنیا و استضعاف به معنی بسته شدن راه انتخاب منافع مشروع دنیوی و کمالات اخروی و سرانجام عدالت نیز به معنی رعایت ارزش و حق هر شی در جای خود و رسیدن هر صاحب حقی به حق مشروع و معقول خود است (نقل به مضمون از نبوی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۷).



یکی از اقدامات اولیه در این خصوص شناخت ادراکات اجتماعی اعم از مردم و مدیران کشور درباره عدالت و ارتقای آن است، زیرا از نظر طرفداران عدالت حد مطلوب جامعه بر درک ظلم و نفی آن استوار است. البته تشدید نظارت‌ها می‌تواند به عنوان یک عامل بیرونی در برپایی چنین جامعه‌ای مؤثر باشد، اما همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین ابزار دستیابی به آن وابسته به عامل درونی یعنی تغییر در ادراک نهفته است.

منابع

- ازغندی، علیرضا و سیدحمده اکوانی (۱۳۹۱)؛ مسایل اساسی اندیشه سیاسی در نامه تنسر؛ فصل‌نامه علوم سیاسی، (۱۸)، ۸، صص ۲۳-۴.
- اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۲)؛ تکنولوژی‌های قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام الملک؛ جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۰)، ۴، صص ۲۶-۱.
- اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۵). درآمدی بر نظریه مدیریت جهادی؛ انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین (۱۳۸۹)؛ مدیریت توسعه روستایی (بنیان‌های نظری)؛ انتشارات سمت.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ سیدعلی بدری (۱۳۹۱)؛ بنیان‌های نظریه‌ای الگوی توسعه‌ای روستای نمونه؛ انتشارات استانداری گیلان.
- امیری، علی نقی؛ حسن عابدی جعفری (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی: رویکردها؛ سمت.
- ایمانی جاجرمی، حسین و مجید عبداللهی (۱۳۸۸). بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر؛ فصل‌نامه راهبرد، (۵۲)، ۱۸، صص ۲۲۱-۲۴۴.
- بدری، سید علی، سید عارف موسوی (۱۳۸۸)؛ مدیریت نوین روستایی؛ انتشارات اشتیاق نور.
- بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ حقی کرم الله، مسلم؛ و مجتبی حسینی‌فرد (۱۳۹۱)؛ بررسی تطبیقی نظام حکمرانی کوروش کبیر با اصول حکمرانی خوب؛ فصل‌نامه راهبرد، (۷)، ۵، صص ۱۳۲-۱۱۹.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷). مختصات حکومت حق‌مدار در پرتو نهج‌البلاغه / امام علی (ع)؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

- جاسبی، عبدالله (۱۳۷۵). اصول و مبانی فلسفی عقیدتی در مدیریت اسلامی؛ فصل‌نامه آینده‌پژوهی مدیریت، دوره ۸، (۳۰)؛ صص ۱۶-۵.
- جوانپور هروی، عزیز (۱۳۸۷). فلسفه مدیریت اسلامی؛ فراسوی مدیریت؛ (۷) ۲. صص ۳۷-۴۸.
- چاوشی، سید کاظم (۱۳۸۸). بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی؛ فصل‌نامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی، سال (۲) ۱، صص ۵۳-۴۳.
- حاجی شریف، محمود (۱۳۹۰). مدل مدیریت اسلامی - ایرانی (مدیریت بومی)، انتشارات آوای دانش گستر و شرکت سیمان سپاهان.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴). ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی^(ع) با استفاده از مدل مفهومی سه شاخگی؛ فرهنگ مدیریت، سال ۳، شماره ۸، ۱۴۶-۱۰۱.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴). تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب؛ فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم. صص ۲۰۱-۱۵۴.
- خوش‌چهره، محمد، حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱). اصول پایدار و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ا؛ فصل‌نامه راهبرد، (۶۲) ۲۱، صص ۲۴۴-۲۱۹.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۷). چالش‌های مدیریت دولتی در ایران؛ انتشارات سمت.
- دهقانی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۰). واکاوی الگوی مفهومی در حوزه برنامه درسی: نقدی بر پژوهش‌های انجام شده با رویکرد طراحی الگو در برنامه درسی؛ پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، (۱) ۱، صص ۹۹-۱۲۶.
- رایت، سوزان، (۱۳۸۵). مردم‌شناسی سازمان‌ها؛ ترجمه پیروز ایزدی، انتشارات روستا و توسعه رستم‌وندی آغمیونی، تقی (۱۳۸۳). تحول اندیشه ایرانی‌شهری پس از ورود اسلام به ایران (با اتکاء به آراء فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی)؛ رساله دکتری، علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)، صص ۵۵۱-۱.
- رضاییان، علی (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ یازدهم، انتشارات سمت.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۳). تنسر و بنیادگذاری نخستین حکومت مذهبی در ایران؛ مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۹۸، صص ۸۴-۹۱.



- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۳). رویکرد نوین بر نظام مدیریتی، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران: تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی از موانع و زمینه‌های نهادینه شدن شورای اسلامی در ایران؛ پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ش ۳۲ و ۳۳، صص ۲۸-۶.
- شریف‌پور، عنایت‌الله و محتشم محمدی (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی در کتاب کلیله و دمنه؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره جدید، (۲۱)، صص ۶۹-۵۳.
- شهبازی، اسماعیل، شریف تهرانی، عباس (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی مدیریت روستا؛ فصل‌نامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۱۴-۱.
- طالب، مهدی (۱۳۷۴). طرحی برای مدیریت روستایی؛ فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۳۹، صص ۲۳-۳.
- طهماسبی، رضا (۱۳۹۳). درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی؛ انتشارات سمت.
- ظهیری‌ناو، بیژن؛ نواختی مقدم، امین؛ و مریم ممی‌زاده (۱۳۸۹). سیر و تداوم اندیشه‌های ایرانشهری در کلیله و دمنه؛ پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی؛ سال دوم، (۷)، صص ۹۶-۷۷.
- فروزنده دهکردی، لطف‌الله (۱۳۹۳). مدیریت/اسلامی؛ انتشارات باور عدالت.
- فضلی‌نژاد، احمد (۱۳۸۹). علل و عوامل بازیابی مفهوم ایران زمین در قرن هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی)؛ رساله دوره دکتری، رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱-۴۲۳.
- کرمی، محمدحسین؛ و زینب نوروزی (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛ (۲۱)، صص ۲۰۶-۱۷۶.
- گائینی، ابوالفضل و امیر حسین‌زاده (۱۳۹۱). پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان؛ راهبرد فرهنگ، (۱۹)، صص ۱۰۳-۱۳۸.
- لسانی فشارکی، محمد علی؛ مردانی زنجانی، حسین (۱۳۸۵). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ انتشارات قلم مهر.
- محبوب، محمد ابراهیم (۱۳۹۰). مدیریت ایران زمین در گذر تاریخ؛ روزگار خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی، ماهنامه گزیده مدیریت ماهنامه علوم انسانی، (۱۲۲)، صص ۱۹-۱۴.
- محمد مهدی عزیزی، ابویی اردکان، محمد و نسرین نوری (۱۳۹۱). بررسی نقش کنشگران و ابزارهای مدیریت شهری در یکپارچگی مدیریت کلانشهر تهران، هویت شهر، (۱۰)، صص ۵-۱۶.

- محمدی، مجید (۱۳۷۹)؛ *نظام‌های اخلاقی در اسلام و ایران: به همراه (تحلیل جامعه‌شناسانه از وضعیت اخلاقی در جامعه امروز ایران)*؛ انتشارات کویر.
- مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۱)؛ *نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت*؛ جلد اول، صص ۶۸۶-۱
- مشتاق‌مهر، رحمان (۱۳۸۵). حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرزنامه‌های جاویدان خرد؛ پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۶، صص ۸۵-۹۵.
- معینی، منصوره و همکاران (۱۳۹۴). اصول مدیریت براساس الگوی اسلامی ایرانی با تکیه بر نظریات خواجه نظام الملک طوسی؛ *فصل‌نامه مدیریت اسلامی*، (۱) ۲۳، صص ۸۷-۱۰۳.
- مقیم، سید محمد (۱۳۹۱)؛ *اداره امور حکومت‌های محلی مدیریت شوراها و شهرداری‌ها*؛ انتشارات سمت، چاپ ششم.
- منصوری، علی؛ مریم غلامی خسروآبادی (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی ابوحامد محمد غزالی و خواجه نظام الملک طوسی؛ *فصل‌نامه سخن تاریخ*، (۱۵) ۵، صص ۱۵۰-۱۲۵.
- مهدوی، داود؛ و زیور کریمی‌پور (۱۳۹۱). تدوین الگوی مطلوب مدیریت نوین توسعه روستایی ایران؛ *گازنامه پژوهشی دانشگاه پیام نور*، استان چهارمحال و بختیاری؛ ش ۶، صص ۱-۱۶.
- میرزاف، عبداله‌اشم (۱۳۹۲). منبع‌شناسی مدیریت اسلامی؛ *دوفصل‌نامه علمی-ترویجی، قرآن و علم*، (۱۲) ۷، صص ۱۴۵-۱۵۸.
- ناصر برک‌پور و ایرج اسدی (۱۳۸۷)؛ *نظریه‌های مدیریت و حکمروایی شهری*، طرح پژوهشی، دانشگاه هنر.
- نبوی، سیدعباس (۱۳۹۳). *جایگاه مبانی و راهبردهای عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*؛ نشر الگوی پیشرفت.
- نجاری، رضا، (۱۳۹۵). *مبانی مدیریت اسلامی*، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.
- نقی‌پور، ولی‌اله (۱۳۷۶)؛ *اصول و مدیریت اسلامی و الگوهای آن*؛ تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین (ع) (۱۳۸۶). گردآوری سید شریف‌الرضی، ترجمه علی شیروانی؛ انتشارات دارالعلم، چاپ ششم.
- وديعی، کاظم (۲۵۳۵). *روستان‌شنی در ایران*؛ انتشارات مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر.



هومن، علی حیدر (۱۳۸۶)؛ شناخت روش علمی در علوم رفتاری، انتشارات سمت، تهران.

- Azghandi, A.; Akvani, H. (2012). The Basic Subjects of the Political Thought in the Tansar Letter, *Political Science Quarterly*, 8(18), pp. 23-43. (in Persian)
- Eslami, R. (2014). The instruments of power in Nizam Al-Mulk's Sīyāsatnāme, the Book of Government, *Contemporary Political Studies*, 4(10), pp. 1-26. (in Persian)
- Aslipoor, H. (2016). *Introduction to Jihad Management Theory*, Tehran Urban Research & Planning Center Pub. (in Persian)
- Eftekhari, A.; Badri, A. (2012). *The Theoretical Basis of Rural Developmental Patterns, Governorship of Guilan*, Gilan: Governor of Gilan Pub. (in Persian)
- Eftekhari, A. (2010). *Rural Development Management: Theoretical Foundations*, SAMT Pub. (in Persian)
- Amiri, A.N., Abedi. Jafari, H. (2013). *Islamic Management: Approaches*, SAMT Pub. (in Persian)
- Imani Jajarmi, H., & Abdollahi, M. (2009). The study of Rural Management – Changes in Iran: from Constitutional Revolution Until Present, *Rahbord Quarterly*, 18(52), pp. 221-244. (in Persian)
- Badri, A., Mousavi, A. (2009). *New Rural Management*, Eshtiyagh Noor Pub. (in Persian)
- Beige nia, A.; Haghi Karamollah, H.; Hoseini Fard, M.; (2012). Comparative study on Cyrus governance System with Good Governance, *Rahbord Quarterly*, 5(7), pp. 119-132. (in Persian)
- Gaeeni, A.; Hosseinzadeh, A.; (2012). THE Trio Paradigms of Positivism, Interpretativism and Hermeneutics in Management and Organizational Studies, *Strategy for Culture*, 5(19), pp. 103-138. (in Persian)
- Pour Ezat, A.; (2008). *the Coordinates of the Haghmadar Government*, Elmifarhangi Pub. (in Persian)
- Jasbi, A.; (1996). Principles of Philosophical Ideology in Islamic Management; *Management Futures Research*, No. 8, 3(30), pp. 5-16. (in Persian)
- Javanpour Heravi, A.; (2008). the Philosophy of Islamic Management; *Beyond Management*, 2(7), pp. 37-48. (in Persian)
- Chavoshi, K.; (2009). a Research on Theoretical Approaches to the Islamic Management, *Interdisciplinary Quranic Studies*, 1(2), pp. 43-53. (in Persian)

- Haji Sharif, M.; (2011). *Islamic-Iranian Management Model (Indigenous Management)*, Avaye Danesh Gostar & Siman Sepahan Company Pub. (in Persian)
- Khenifer, H.; (2005). Providing Indigenous Management Model Based on Imam Ali's Viewpoint Using a Three Branched Model (3c), *Organizational Culture Management*, 3(1), pp. 101-146. (in Persian)
- Khenifer, H. (2005). Analysis of Content of Islamic Management Literature with Emphasis on Selected Literature, *Organizational Culture Management*, 3(3), pp. 151-201. (in Persian)
- Khoshchreh, M.; & Habibi, N.; (2012). Basic Principle and Key Elements of Islamic- Iranian Progress Model from Viewpoint of Large Scale Instruments of the Islamic of Iran, *Rahbord Quarterly*, 21(62), pp. 219-244. (in Persian فارسی)
- Danai fard, H. (2008). *Challenges for Public Administration in Iran*, SAMT Pub. (in Persian)
- Dehghani, M.; Khandaghi, M.A.; Jafari Suni, H. & Noghani, M. (2011). The Study of Conceptual Model in Curriculum Field: Criticize of Researches Have Been Done with Model Design Approach in Curriculum, *Foundations of Education (Studies in Education & Psychology)*, 1(1), 99-126. DOI: 10.22067/fe.v1i1.4022. (in Persian)
- Wright, S. (1994). *Anthropology of Organization*, Translated by Ezady, P. Tehran: . Ministry of Jihad for Agriculture. Rural & Development Pub. (in Persian)
- Rostamvandi, T. (2005). *The Development of Iranshahri's Thought in the Post-Islam Iran*, Ph.D Thesis, Tarbiat Modares University, pp.1-551. (in Persian)
- Sharif Pour, E.; & Mohamadi, M.; (2009). Political Thought in Kalileh and Demneh, *the Faculty of Litrature and Humanities* (Kerman), 24 (21), pp. 53-69. (in Persian)
- Rezaian, A; (2000). *Fundamentals of Organization & Management*, SAMT Pub. (in Persian)
- Rezvani, M., (2004). *Introduction to Rural Development Planning in Iran*, Ghomes Pub. (in Persian)
- Rahbari, M. (2014). *Tenser and Founding of the First Religious Government in Iran*, Political & Economic Ettelaat, No. 298, pp. 84-91. (in Persian)
- Seifollahi, S. (2004). New Approach to Management System, Management and Participatory Management in Iranian Society, *Strategic Management Research*, 32-33, pp. 6-28. (in Persian)
- Shahbazi, E., & Sharifi, T. (2011). Pathology of Rural Management, *Roosta Va Towse' E*, 12(1), pp. 1-14. (in Persian)
- Taleb, M.; () A Plan for Rural Management, *Geographical Researches Quarterly*, No. 39, pp. 3-23. (in Persian)



- Tahmasebi, R.; (2014). *an Introduction to the Public Administration*, SAMT Pub. (in Persian)
- Zahirinav, B., Navakhti Moghaddam, A., Mamizadeh, M., & Mamizadeh, A. (2010). Continuation of Iranshahri Thoughts in Kalileh Va Demne, Researches on Persian Language and Literature, 46(7), pp. 77-96. (in Persian)
- Karami, M.H.; Noroozi, Z.; (2009). Iranshahri's Political Thoughts in Eskandarnameh of Nezami, *Journal of the Faculty of letters and humanities (Kerman)*, 24(21), pp. 175-206. (in Persian)
- Lesani Fesharaki, M.A.; Mardani Zanjani, H. (2006). *The Method of Research in the Holy Qur'an*, Iran: Ghalam Mehr Pub. (in Persian)
- Mahjob, M.E. (2011). Management of Iran during the Course of History; Khajeh Rashid Al-Din Fazlollah Hamedani, *Management Selected Monthly*, 12(122). pp. 14-19. (in Persian)
- Azizi, M.M., Aboyee Ardakan, M.; & Nouri, N. (2012). the Role of Urban Management Toperant and Tools in the Integrated Management of Tehran metropolitan (Persian)]. *hoviateshahr*, 6(10), pp. 5-16. (in Persian)
- Mohammadi, M. (2000). *Ethical Systems in Islam and Iran*, Kavir Pub. (in Persian)
- Center for the Islamic-Iranian Model of Progress. (2012). *Roadmap for Developing and Designing Islamic-Iranian Model of Progress*, Vol. 1, pp. 1-686. (in Persian)
- Moshtagh Mehr, R.; (2006). Iranians Ideal Type of Reign in Andarz Ha-Ye Javidan Kherad, *Pizhuhish-i zaban va adabiyyat-i farsi*, No. 6, pp. 85-98. (in Persian)
- Moeini, M., Kolahdozan, A., Ferdosi, M., & Asadi, S. (2015). Principles of Management Based on the Islamic Model of Iran: Based on the Opinions of Khwaja Nizam al-Mulk Tusi, *Islamic Management Quarterly*, 23(1), pp. 87-103. (in Persian)
- Moqeemi, M. (2012). *Local Government Administration: The Council and Municipalities Management*, SAMT Pub. (in Persian)
- Mansori, a.; Gholami Khosroabadi, m. (2011). *Comparative Study of Political Thought by Abu Mohammad Mohammad Ghazali and*

Khojaje Nasso-olmolk Tusi, Sokhan tarikh Quarterly, 5(15), 125-150. (in Persian)

Mahdavi, D., & Krimipoor, Z. (2012). Developing of the Optimal Model for Modern Management of Rural Development in Iran, Chaharmahal Payam Noor University Pub, No. 6, pp. 1-16. (in Persian)

Mirzaof, A. (2013). Sourceology of Islamic Management, *Quran and Science*, 7(12), 145-158. (in Persian)

V Barakpour, N., Asadi, E. (2008). *Management Theories and Urban Governance*, Honar University. (in Persian)

Nabavi, A. (2014). the Position of the Foundations and Strategies of Social Justice in the Islamic-Iranian Model of Progress, Olgou Pishraft Pub. (in Persian)

Najjari, R. (2016). Principal of Islamic Management, Payam Noor University Pub. (in Persian)

Naghi Pour Far, V. (1997). *Essentials of Islamic Management & Behavioral Patterns*, Governmental Management Training Center Pub. (in Persian)

Shirvani, A. (2007). *Nahj Al-Balagha*, Dar Al Elm Pub. (in Persian)

Vadiee, k., (1976). *Village in Iran*, Iran:Tehran. (in Persian)

Hooman, H.A.; (2007). Research Methodology in Behavioral Sciences, SAMT Pub. (in Persian)

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>